صبح ساحل

روزنامه مردم خلیج فارس

یکشنبه
۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

- سال ۴۱ | شماره ۵۶۶۱
- ۳ می ۲۰۲۶
- ۱۵ ذی القعده ۱۴۴۷ قمری
- ۸ صفحه
- تک‌شماره ۲۰٫۰۰۰ تومان

تازه‌ترین خبرهای هرمزگان، ایران و جهان را در SobheSahel.com بخوانید

خبر اختصاصی

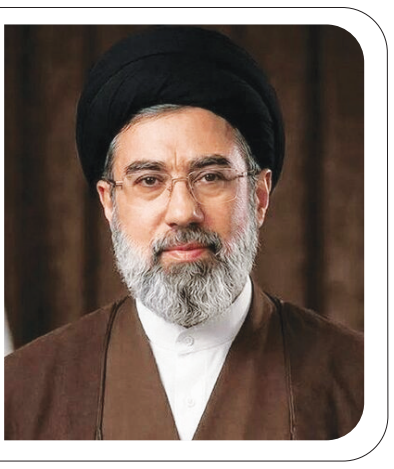

رهبر معظم انقلاب:

معلمان و کارگران ستون فقرات عرصه‌ی فرهنگ و اقتصاد هستند

۲

با عبور هفت کابل اصلی و بین‌المللی اینترنت جهانی از تنگه هرمز، ایجاد اختلال در این شریان خسارت قابل توجهی به اقتصاد دنیا وارد می‌کند

کارت بازی نشده ایران

۳

بررسی مبانی حقوقی بازپرداخت کامل بهای بلیت پروازها به‌دلیل قوه قهریه

حق مسافر بر گردن ایرلاین‌ها

۷

سرخط خبرها

روایتی از شکاف میان اعداد رسمی و واقعیت بازار کار

چهره واقعی آمار بیکاری

۳

از انسداد فیزیکی تا معماری قدرت شبکه‌ای

پارادوکس هرمز

۸

شروع یک بازی سیاسی با چراغ سبز آمریکا

اوپک بدون امارات

۳

تلاش واشنگتن برای تنبیه کشورهایی که در جنگ علیه ایران او را همراهی نکردند

آینده ناتو متاثر از خشم ترامپ

۲

صلح یا شکایت در مدیریت ساختمان

۷

به مناسبت روز ملی خلیج فارس برگزار شد

رقابت‌های دومینو در بخش انفرادی

۶

خواندنی‌های روز

تحلیل بحران پنهان خانواده پشت درهای بسته؛ از فشار اقتصادی تا عادی‌سازی خشونت

تاب‌آوری در یک ترومای نیابتی

۴

یادداشت

دستکاری نمادها در جنگ روایت‌ها

عبدالسلام جمالی
روزنامه‌نگار

اخیرا دونالد ترامپ رئیس جمهور کودک‌کش و خودشیفته آمریکا که عاشق خودنمایی در رسانه‌هاست تصویری از تنگه هرمز را با عنوان جعلی «تنگه ترامپ» باز نشر کرد.

تغییر نام تنگه هرمز توسط ترامپ، بیشتر رنگ‌وبوی نمایش قدرت و دستکاریِ نمادها را دارد تا یک تصمیم دیپلماتیک وحقوقی.

امروزه نام‌ها علاوه بر حک شدن بر نقشه‌ی جغرافیا ابزار روایت‌سازی هم می‌شوند. اما تاریخ ایران، اجازه نمی‌دهد چنین تغییراتی از کنارِ حقیقت عبور کند. تنگه هرمز از دیرباز بخشیِ زنده از حافظه‌ی تاریخی ماست نه یک امتیاز قابل واگذاری ونه یک اصطلاح قابل معامله.

وقتی سیاستمداری نام یک پهنه‌ی تاریخی را عوض می‌کند، معمولاً هدفش این نیست که واقعیتی را بهتر توضیح دهد؛ هدف، کنترل روایت است. نام‌ها قدرت دارند، روی نقشه‌ها می‌مانند، از سوی رسانه‌ها تکرار می‌شوند و اگر زیاد تکرار شوند، کم کم در ذهن عموم می‌نشینند. ترامپ با این حرکت، می‌کوشد به مخاطب بگوید جهان را من می‌چرخانم حتی اگر هزینه‌اش تحریف تاریخ و نادیده گرفتن ریشه‌های فرهنگی یک منطقه باشد.

اما تاریخ را نمی‌شود با فشار رسانه‌ای بازنویسی کرد. تنگه هرمز، نتیجه‌ی سال‌ها پیوند اقتصادی، دریایی، زبانی و هویتی مردمی است که از این مسیر بارها و بارها عبور کرده‌اند. یک تغییر نام، بدون پشتوانه‌ی تاریخی و بدون احترام به حقیقت، بیشتر شبیه جابه‌جایی تابلو است تا تغییر واقعیت. شاید بعضی‌ها بگویند نام مهم نیست اما نام، بی‌اهمیت نیست چون نام، حافظه است. هر واژه‌ای که روی نقشه ثبت می‌شود، بخشی از نگاه جهان به ما را شکل می‌دهد. وقتی دشمنان سعی می‌کنند نام هرمز را حذف کنند، در عمل می‌کوشند جایگاه ایران و نقش تاریخی آن در خلیج فارس و دریانوردی را کم‌رنگ نمایند. انگار به ما می‌گویند شما حق ندارید خودتان را آن‌طور که هستید صدا کنید و این دقیقاً همان چیزی است که جامعه‌ی ایرانی را آزرده می‌کند.

ایرانیان در طول تاریخ برای حفظ خاک سرخ رنگ جزیره هرمز و تعلق ابدی آن به سرزمین مادری، خون سرخ خود وجان شیرین خودرا فدا کرده اند. جنگی که در آن، هرمز توسط امام‌قلی خان از دست قدرت‌های مهاجم اشغالگر بیرون آمد و نام و جایگاه آن دوباره به عنوان بخشی از اراده و توان ایران زنده شد.

و این یک درس روشنی به ما می‌دهد که قدرت واقعی، با مقاومت و توان سرزمینی ساخته می‌شود و نه با تغییر نام‌ها.

اگر هرمز در تاریخ ما دوباره به ایران بازگردانده شد، یعنی این منطقه از آنِ تاریخ ایران است، نه از آنِ روایت‌های تحمیلی.

پس وقتی امروز عده‌ای بخواهند با یک تصمیم رسانه‌ای، نام را تغییر دهند، در برابر یک حقیقت تاریخی می‌ایستند. دنیا بداند که هر وقت پای خاک ایران وحدود وثغور آن در میان باشد همه‌ی ایرانیان امامقلی خان هستند.

تنگه هرمز، همیشه هرمز می‌ماند همان طور که خلیج فارس تا ابد فارس می‌ماند.چون هر دو ریشه دارند. سند دارند. تاریخ دارند و تاریخ،بلندتر از هر صدا و آرام‌تر از هر جدل، حقیقت خود را حفظ می‌کند.

یادداشت

مردم پشت در اتاق آقای مدیرعامل

راشد شرف
روزنامه‌نگار

نزدیک به چهار ماه قبل، در یکی از مهم‌ترین مناطق آزاد تجاری و صنعتی که به ادعای مسئولین، سال‌ها، پایلوت توسعه پایدار کشور می‌شمردند، طبق رویه معمول انتصابات دولت، انتصاب‌هایی در منطقه آزاد قشم رخ داد که بیشتر رنگ و بوی انتساب(!) داشت تا یک انتصاب واقعی.

این انتصاب در حالی صورت گرفت که جامعه محلی اعم از معتمدین، بازرگانان، فعالان اقتصادی و گردشگری از دولت توقع داشتند با وجود گزینه‌های متعدد بومی و مدیران کاربلد و مجرب در بدنه‌ی سازمان و در ترکیب هیات مدیره، فرصت تجربه‌ای بی‌نظیر را با انتصاب یک مدیرعامل آشنا به امورات جزیره خلق کند تا بلکه بخشی از مطالبات مردم از ریاست جمهوری محقق شود.

در شرایطی که وضعیت اقتصادی و تجاری فعالان این حوزه چندان رضایت‌بخش نیست، تصمیماتی در تغییرات مدیریتی کلان این منطقه آزاد صورت گرفت که مدیرعامل پرحاشیه اما «نسبتا» فعالی که حداقل بر تمام زیر و بم‌های اقتصادی، تجاری، صنعتی، عمرانی، گردشگری و اجتماعی قشم اشراف داشت، جایش را به مدیرعاملی داد که با الفبای مناسبات اجتماعی در جامعه‌ای همچون قشم ناآشنا بود.

مدیر شهریِ کلان‌شهری چون مشهد، در حالی بر کرسی پرطمطراق سازمان منطقه آزاد تجاری، صنعتی و گردشگری قشم تکیه زد که چشم‌انداز اقتصادی و تجاری و گردشگری جزیره تحت تاثیر شرایطی ناخواسته، در هاله‌ای از ابهام فرو رفته بود.

در حالی که در چنین مقطعی، قشم به مدیری توانمند و آشنا به جریان‌های اقتصادی و صنعتی و گردشگری نیاز داشت، مدیری با عدم شناخت لازم از بسترهای اجتماعی و اقتصادی جزیره، ناخدای کشتی شد که لرزان بر موج‌های دریا سوار بود، و او نه تنها این کشتی را به ساحل نرساند، با ناکارامدی، کشتی تجارت و اقتصاد جزیره را به گل نشاند.

اکنون، با وجود ناآشنایی مدیرعامل فعلی با تجارت و صنعت در این اوضاع اقتصادی و تجاری کشور، بیم آن می‌رود که این کشتی به گل نشسته، دیر یا زود غرق شود.

آنچه پیداست حکایت از این دارد که برخی مدیران ارشد برای رزومه‌سازی به قشم می‌آیند و شناختی از جایگاه خطیر مدیرعاملی ندارند، از این رو انگیزه‌ای برای خدمت به مردم در خود نمی‌بینند.

در چنین اوضاع و احوالی که جامعه محلی اعم از بازرگانان، فعالان اقتصادی، تجاری و گردشگری قشم بیش از هر زمان دیگر به حمایت‌های دولت «حداقل همدلی و همراهی مسئولین» نیاز دارند، عالی‌جناب شهردار اسبق مشهد بر این کرسی پرطمطراق در منطقه آزاد نشسته و در دفترش را به روی مردم بسته است. رویه‌ای که در سالیان دراز در این منطقه آزاد از بدیهی‌ترین اصول مدیریتی در جزیره بوده، حال با گذشت نزدیک به چهارماه از انتساب(!) این مدیرعامل، هنوز ساز و کاری برای برقراری ارتباط با فعالان طیف‌های مختلف اقتصادی تجاری و گردشگری و معتمدین جزیره اندیشیده نشده که حتی گفته می‌شود دفتر حوزه مدیرعامل از دسترس خارج است.

در همه ادوار گذشته، مدیران عامل بلافاصله پس از انتصاب، در نشست‌های متعدد با فعالان و نقش‌آفرینان اقتصادی و اجتماعی قشم اعم از دهیاران، شهرداران، بازرگانان، معتمدین و مشایخ جزیره دیدار می‌کردند و از این رهگذر در جریان دغدغه‌ها و مسائل و مشکلات مردم قرار می‌گرفتند؛ امروزه که بیش از پیش نیاز به این همدلی و همراهی و ایجاد امید و نشاط در مردم می‌رود، درِ دفتر شهردار اسبق مشهد به روی مردم قشم بسته شده است. و این گلایه پیش از هر چیزی متوجه هیئت دولت است که در این شرایط و اوضاع کشور با انتصاب‌های فله‌ای خود موجب نارضایی و بی‌اعتمادی در اقشار مختلف جامعه شده است. گفته می‌شود منشا این نارضایی اجتماعی، بی‌اعتنایی به معتمدین محلی و فعالان حوزه تجارت و اقتصاد قشم و چه بسا به قولی برخاسته از بطن جامعه در اثر هتک حرمت بزرگان بوده است.

بی‌اعتنایی به سرمایه‌های اجتماعی جزیره اعم از معتمدین و بزرگان و فعالان حوزه‌های مختلف، امروز به یکی از چالش بر انگیزترین مسائل مدیریتی پیش روی دولت در نوع انتصاباتش در این منطقه آزاد است که در انتصاب‌های شهردار اسبق مشهد هیچ نشانی از اعتماد و احترام به جامعه محلی جزیره دیده نمی‌شود.

در شرایطی که مردم به حمایت، همراهی و همدلی دولتمردان خود بیش از پیش نیاز دارند، این گلایه از هیئت دولت می‌رود که مردم قشم را به امان خدا رها کرده است و آن ارتباطات و تعاملاتی که در گذشته مابین مسئولین منطقه آزاد و معتمدین و فعالان حوزه‌های مختلف وجود داشت، در آستانه‌ی فروپاشی قرار گرفته است.

آگهی شرکت‌های تعاونی سراسر هرمزگان در صبح‌ساحل

تلفن پذیرش: ۱۰۵-۳۲۲۴۱۴۶۲

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز کارگر و روز معلم؛

معلمان و کارگران ستون فقرات عرصه‌ی فرهنگ و اقتصاد هستند

سرویس سیاسی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت روز کارگر و روز معلم تصریح کردند: معلمان مؤثرترین حلقه در نبرد فرهنگی و کارگران از مؤثرترین عناصر در نبرد اقتصادی خواهند بود؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد که این دو، به منزله ستون فقرات عرصه فرهنگ و اقتصاد هستند.

به گزارش صبح ساحل، متن پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظمِ انقلاب اسلامی به مناسبت روز کارگر و روز معلم بدین شرح است:

دو روز یازدهم و دوازدهم اردیبهشت، روزهایی است که در آن از مقام کارگر و منزلت معلم تقدیر به‌عمل می‌آید. فارغ از تجلیل زبانی و نمادین که به‌نوبه‌ی خود کار بجا و صحیحی است، پیشرفت هر کشوری رَهینِ دو بال علم و عمل است. معلم در اولین مرحله‌ی تحقق از این مقصود نقش‌آفرینی میکند. مسئولیت خطیر آموزشِ دانش، افزایش مهارت، و بخش مهمی از رشد بینش و قالب‌ریزی هویت نسل آینده برعهده‌ی او است. دانش‌آموزان و دانشجویان و طلابی که در کنار هر معلمی رشد میکنند، در آینده نه‌چندان دور، مهارتهای آموخته و دانشهای یادگرفته خود را به‌کار بسته و اِی بسا در خُلق‌وخو و رفتار و گفتار خود در انواع عرصه‌ها از محفل گرم خانواده تا محیط کار و کوچه و خیابان چون آینه‌ای، نمایش‌دهنده‌ی رفتارها و گفتارهای معلمین خود خواهند بود. از سوی دیگر، عرصه‌ی کار، صحنه‌ی وسیعی است به‌وسعت کشور که از داخل خانه‌ها، ادارات و واحدهای کسب و کار و مساجد گرفته تا مزارع و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و معادن و انواع زیادی از مشاغل خدماتی کشیده می‌شود. هرچقدر این پهنه‌ی وسیع از دو عنصر سخت‌کوشی و تعهّد که از ارکانِ هر توفیق بزرگی بشمار میروند

بیشتر بهره‌مند باشد، پیشرفتگی کشور، بیشتر و بهتر تضمین میگردد.

می‌دانیم یک کارگر در پرتو تعهّد و حُسنِ عمل، گاه آن‌چنان جایگاهی می‌یابد که شایسته است همچون دست پُرمهر معلم و مربّی، بر دست توانا و هنرمند او هم بوسه‌ی تشکر و امتنان زده شود. این البته امری است که از دامان اولین مربیان هر کسی یعنی پدر و مادر او و پس از آن از درک محضر معلِم قابل تأمین است. اینک که جمهوری اسلامی ایران بعد از بیش از چهل‌وهفت سال مجاهدت، با تکیه به فضل الهی در نبرد نظامی با دشمنانِ پیشرفت و تعالی خود، بخشی از توانمندیِ چشمگیر خود را به جهانیان ثابت کرده است، در مرحله‌ی جهاد اقتصادی و فرهنگی نیز باید آنان را ناامید کرده و شکست دهد. معلمان مؤثرترین حلقه در نبرد فرهنگی و کارگران از مؤثرترین عناصر در نبرد اقتصادی خواهند بود؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد که این دو، به منزله‌ی ستون فقرات عرصه‌ی فرهنگ و اقتصاد هستند. از این رو لازم است به اهمیت جایگاه خاص خود و فراتر از یک شغل ـ که در قبال فعالیت در آن، دستمزدی دریافت میشود ـ بخوبی واقف باشند. همچنانکه باید به موازات این امر، توجه داشت که تجلیل‌های زبانیِ سالیانه یا هر چند وقت یکبار گرچه بجا و مناسب است ولی قدردانی از تلاشهای این دو قشر باید عمیق‌تر و عملی‌تر از این حد باشد. بنده تصور میکنم همانطور که ملت عزیز ایران با حضور در میادین و خیابانها از نیروهای نظامی کشور خود حمایتی درخور به‌عمل می‌آورند، شایسته است در یاری کردن معلمان و کارگران هم پشتیبانی قوی‌ای از خود نشان دهند. از جمله باید تعامل خانواده‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در اداره‌ی مدارس و دانشگاهها، بیشتر از پیش فراهم شود، و همچنین باید با اولویت دادن به مصرف کالاهای ساخت داخل کشور از کارگرانِ مولِد پشتیبانی نموده و بخصوص صاحبان کسب و کارهای آسیب‌دیده تا حدِ ممکن از تعدیل نیرو و جُداسازی نیروی کار خود، چه در واحدهای تولیدی و چه واحدهای خدماتی اجتناب نمایند و بلکه هر کارگری را به‌منزله‌ی ثروت آن واحد تولیدی و خدماتی، منظور دارند؛ و البته دولت محترم هم در حدِ مقدور از این عملِ خیرخواهانه حمایت نماید. ایران عزیز، همچنان که در پی سال‌ها تلاش در جایگاه یک قدرت نظامی ظاهر شده، ان‌شاءالله و به فضل الهی با ترسیم خطوط هویت ایرانی اسلامی و رسوخ هر چه بیشتر آن در اذهان و نفوس جوانان این کشور به دست مربیان و معلمین، و با اولویت دادن به مصرف کالاهای تولید داخل که نتیجه‌ی تلاش کارگران زحمتکش ایرانی است، مسیر عبور به‌سوی قلِه‌های پیشرفت و تعالی را خواهد پیمود.

نامه ترامپ به کنگره درباره حمله به ایران:

جنگ پایان یافته

سرویس سیاسی

دونالد ترامپ گفت: «در ۷ آوریل ۲۰۲۶، من دستور آتش‌بس دو هفته‌ای را صادر کردم. از آن زمان تاکنون، آتش‌بس تمدید شده است. از ۷ آوریل ۲۰۲۶ هیچ تبادل آتشی بین نیروهای آمریکایی و ایران رخ نداده است. اقداماتی که در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ [۹ اسفند۱۴۰۴] آغاز شد، پایان یافته است».

خبرگزاری «آسوشیتد پرس» گزارش داد که کاخ سفید به کنگره اطلاع داده است که عملیات علیه ایران را پایان‌یافته تلقی می‌کند.

به گزارش صبح ساحل، آسوشیتد پرس نوشت: «دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به صورت رسمی به قانونگذاران آمریکایی اعلام کرده است که مناقشه با ایران را پایان‌یافته می‌داند».

این خبرگزاری افزود: « با وجود ادامه حضور نظامی آمریکا در منطقه، کاخ سفید به طور رسمی به کنگره اعلام کرده است که جنگ با ایران را پایان‌یافته می‌داند».

کاخ سفید نامه‌هایی را به رهبران کنگره تسلیم کرد، خطاب به مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان، و چاک گرسلی، رئیس موقت سنای آمریکا (جمهوری‌خواه از ایالت آیووا)، و در آنها ذکر شده است: «با توجه به پایبندی ایالات متحده و ایران به آتش‌بس از ۷ آوریل، عملیات‌ها متوقف شده است».

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در این نامه‌ها نوشت: «در ۷ آوریل ۲۰۲۶، من دستور آتش‌بس دو هفته‌ای را صادر کردم. از آن زمان تاکنون، آتش‌بس تمدید شده است.

از ۷ آوریل ۲۰۲۶ هیچ تبادل آتشی بین نیروهای آمریکایی و ایران رخ نداده است. اقداماتی که در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، پایان یافته است».ترامپ افزود که «تهدیدی که ایران برای ایالات متحده و ارتش آن ایجاد می‌کند، همچنان قابل توجه است»، اما اشاره کرد که به «هماهنگ با مسئولیت‌ها» به هدایت نیروهای آمریکایی ادامه خواهد داد./ عصر ایران

بازدید میدانی اعضای کمیسیون عمران از بنادر و گمرکات هرمزگان

سرویس سیاسی

جمعی از اعضای کمیسیون عمران مجلس به منظور بازدید از بنادر و گمرکات عملیاتی جنوب و بررسی وضعیت عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز و روند ترخیص کالاهای اساسی به استان هرمزگان سفر کردند.

به گزارش صبح ساحل، جمعی از اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی (شنبه ۱۲ اردیبهشت) به منظور بررسی آخرین وضعیت عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز، نحوه فعالیت بنادر و گمرکات جنوب کشور، روند ترخیص کالاهای اساسی، وضعیت زنجیره تامین و مسیرهای ترانزیتی حمل و نقل، با سفر به استان هرمزگان از این تأسیسات بازدید میدانی می‌کنند. «عبدالجلال ایری»، سخنگوی کمیسیون عمران مجلس، گفت: با توجه به حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا در دو ماه اخیر و خسارت به برخی مسیرهای ارتباطی و ریلی و همچنین تلاش آمریکا برای محاصره دریایی کشور و هدف قرار دادن شبکه تأمین کالا، اعضای هیأت در این بازدید یک‌روزه، عملکرد دستگاه‌های اجرایی را از نزدیک بررسی می‌کنند.

وی افزود: بررسی نحوه تخلیه و ترخیص نهاده‌های دامی، گندم و دارو، وضعیت انبارهای راهبردی و ظرفیت مسیرهای زمینی، ریلی و دریایی جایگزین در صورت تشدید اختلالات در تنگه هرمز، از محورهای اصلی این سفر نظارتی است. ایری تأکید می‌کند که هدف این بازدیدهای میدانی، جلوگیری از هرگونه مشکل و کمبود کالاهای اساسی برای مردم است.

در این بازدید میدانی، علی نیکزاد ثمرین (نایب رئیس مجلس شورای اسلامی)، محمد رضا رضایی کوچی (رئیس کمیسیون عمران)، عباس صوفی و محمدمنان رئیسی (نوابرئیس کمیسیون)، سید جمال موسوی و احمد جباری (عضو هیأت رئیسه کمیسیون)، عبدالجلال ایری (سخنگوی کمیسیون)، صدیف بدری (عضو هیأت رئیسه مجلس)، همچنین حمیدرضا گودرزی، علیرضا نثاری، مریم عبداللهی، شهین جهانگیری، یاسر عربی، فرامرز شاهسواری و محمد مهدی فروردین حضور دارند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تامین فلزات هونام فولاد بندرعباس (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۹۱۰۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۲۶۶۲۳۰

HOPCO

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تامین فلزات هونام فولاد بندرعباس (سهامی خاص) و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که راس ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ در محل سالن جلسات شرکت تامین فلزات هونام فولاد بندرعباس به آدرس بندرعباس کیلومتر ۱۳ بزرگراه شهید رجایی ، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، سایت شمالی ،جنب باسکول منطقه تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱-استماع گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به۱۴۰۴/۱۲/۲۹

۲ - بررسی و تصویب صورتهای مالی و عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

۳-انتخاب بازرس قانونی و حسابرس شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹

۴-تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت برای سال مالی منتهی به۱۴۰۵/۱۲/۲۹

۵-اتخاذ تصمیم درباره تقسیم سود

۶- تعیین پاداش اعضای هیات مدیره

۷-تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیات مدیره

۸- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیات مدیره شرکت تامین فلزات هونام فولاد بندرعباس

گزارش

تلاش واشنگتن برای تنبیه کشورهایی که در جنگ علیه ایران او را همراهی نکردند

آینده ناتو متاثر از خشم ترامپ

مرضیه مستاجری

از ابتدای شروع جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، با توجه به آتش متقابل میان ایران و کشورهای منطقه که پایگاه‌های نظامی آمریکا را در خود جای دادند و از آنجا علیه ایران اقدام شد، محدودیت‌های ترانزیتی برای کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها اعمال شد. چراکه ایران اعلام کرد که کشورهای همسو و حامی متجاوزان به ایران اجازه عبور از تنگه هرمز ندارند و برای دیگر کشتی‌ها نیز عوارض عبور وضع کرد. در این راستا درست چند روز پیش پلیتیکو به نقل از دیپلمات‌های اروپایی و یک مقام آمریکایی ادعا کرد که کاخ سفید فهرستی از اعضای مطیع و سرکش تهیه کرده است. براساس این گزارش دولت ترامپ در حال بررسی راه‌هایی برای مجازات متحدانی است که از حمایت او در جنگ خودداری کردند.

اسپانیا در لیست تنبیه ترامپ

به دنبال آن خبرهایی مبنی بر تعلیق عضویت اسپانیا در ناتو توسط پنتاگون به دلیل حمایت نکردن از جنگ آمریکا علیه ایران منتشر شد و تنش‌های میان مادرید و واشنگتن بالاگرفت. مارگاریتا روبلس وزیر دفاع اسپانیا در واکنش به این خبر خواستار «احترام» گذاشتن به نقش مادرید به عنوان یک شریک جدی این ائتلاف، شد و در اظهارنظری کنایه‌آمیز گفت: هیچ کس قرار نیست به ما درس تعهد بدهد. «پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا در حاشیه نشست غیررسمی رهبران اتحادیه اروپا در قبرس ادعای مطرح شده در گزارش خبرگزاری رویترز مبنی بر این که آمریکا به دلیل اختلافات بر سر جنگ با ایران، تعلیق عضویت اسپانیا در ناتو را بررسی می‌کند را رد کرد. سانچز گفت: ما با ایمیل کاری نداریم؛ با اسناد رسمی و مواضع دولت آمریکا داریم. مواضع اسپانیا روشن است، همکاری کامل با متحدان اما همیشه در چارچوب حقوق بین‌الملل. چنانچه رویترز گزارش داد اساسنامه ناتو ماده تعلیق رسمی ندارد و سازوکار چنین اقدامی نامشخص است.

یورش واشنگتن به ببر کاغذی در پی امتناع از ورود به جنگ ایران

واشنگتن که از امتناع سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) از ورود به جنگ ایران شاکی بود و آن را ببر کاغذی خواند حالا سیاست تهاجی تری را در پیش گرفته است. انگلیس، فرانسه و دیگر کشورها می‌گویند پیوستن به محاصره دریایی آمریکا به منزله ورود به جنگ است و چنین کاری در راستای منافع ملی آن‌ها نیست اما آن‌ها حاضرند پس از برقراری آتش‌بس پایدار یا پایان جنگ به باز نگه داشتن تنگه کمک کنند. با این حال، مقامات دولت ترامپ تاکید کرده‌اند که ناتو نمی‌تواند جاده یک‌طرفه باشد. خبر شکاف و فاصله گرفتن مواضع سیاسی واشنگتن و بروکسل از یکدیگر تنها از سوی طرف آمریکایی مطح نمی‌شود. امانوئل ماکرون در اظهار نظر خود با اشاره به تغییر رویکرد آمریکا در قبال اروپا گفت آمریکا می تواند متحد برخی از کشورها باشد اما این متحد دیگر به اندازه گذشته قابل اعتماد نیست. این در حالی است که ترامپ بارها به «کر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس توهین کرده و او را به دلیل رویگردانی از پیوستن به جنگ آمریکا علیه ایران «بزدل» خواند و ناوهای هواپیمابر انگلیس را «اسباب‌بازی» توصیف کرد.

شرکت‌های چینی هدف خشم و تحریم‌های نفتی آمریکا

اما سکوی بعدی مورد خشم واشنگتن پکن بود. وزارت خزانه‌داری آمریکا روز جمعه ۴ اردیبهشت تحریم‌های جدید مرتبط با ایران را اعلام کرد. تامی پیگوت، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، گفت این اقدامات بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر واشنگتن برای مهار تجارت نفت ایران است. این اظهارات پس از آن مطرح شد که وزارت خزانه‌داری آمریکا در تداوم سیاست خصمانه خود علیه ایران دست به اعمال تحریم‌های تازه علیه یک پالایشگاه بزرگ نفت در چین و حدود ۴۰ شرکت کشتیرانی و نفتکش که معمولاً از آن‌ها با عنوان پالایشگاه‌های موسوم به تیپات (Teapot) یاد می‌شود و عمدتاً در استان شرقی شاندونگ فعالیت دارند، به بهانه نقش داشتن در انتقال نفت ایران وضع شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا مدعی است که پالایشگاه «هنگلی پتروکمیکال» در شهر بندری «دالیان» در شرق چین، از سال ۲۰۲۳ تا کنون محموله های نفت خام ایران را دریافت کرده که به ادعای واشنگتن این امر صدها میلیون دلار برای نیروهای مسلح به همراه داشته است! این شرکت یکی از ده‌ها خریدار چینی نفت ایران است. این اقدام، دسترسی این شرکت و سایر شرکت‌هایی که نفت ایران را حمل می‌کنند به سیستم مالی ایالات متحده را مسدود می‌کند.

به‌نقل از آناتولی، دولت چین روز دوشنبه (۷ اردیبهشت) تحریم‌های «غیرقانونی» آمریکا را محکوم کرد و تأکید کرد از منافع شرکت‌های خود محافظت خواهد کرد. لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، در پکن اعلام کرد چین همواره با تحریم‌های یکجانبه‌ای که مبنای حقوقی در قوانین بین‌المللی ندارند، مخالفت می‌کند و از ایالات متحده می‌خواهد که رویه نادرست تحریم‌های سوءاستفاده‌آمیز و اعمال صلاحیت قضایی بلندمدت را کنار بگذارد.

این گونه رفتارهای تهاجمی از سوی واشنگتن برای تنبیه و اعمال فشار جهت همراه کردن کشورهای دیگر با سیاست‌های خود در حالی صورت می‌گیرد که منجر می‌شود این کشورها به سوی بازبینی در سیاست‌های خود در رابطه با ایالات متحده کشیده شوند. به گونه‌ای که تحلیلگران و دیپلمات‌ها معتقدند جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران سوالات جدی درباره آینده ائتلاف ۷۶ ساله ناتو ایجاد کرده و نگرانی بی‌سابقه‌ای را برانگیخته که آمریکا در صورت وقوع حمله‌ای به متحدان اروپایی خود به یاری آن‌ها نیاید.

آگهی شرکت‌های تعاونی سراسر هرمزگان در صبح‌ساحل

تلفن پذیرش: ۱۰۵-۳۲۲۴۱۴۶۲

با عبور هفت کابل اصلی و بین‌المللی اینترنت جهانی از تنگه هرمز، ایجاد اختلال در این شریان خسارت قابل توجهی به اقتصاد دنیا وارد می‌کند

کارت بازی نشده ایران

مریم دهقان
خبرنگار

بر اساس روایتی مستند و راهبردی از زیرساخت‌های اینترنت در تنگه هرمز که اخیرا توسط خبرگزاری تسنیم منتشر شده است؛ هفت کابل اصلی و بین‌المللی شامل سیستم‌های AAE، FALCON-۱، Gulf Bridge، TGN-Gulf، و SEA-ME-WE، در حال حاضر مجبور به عبور از تنگه هرمز هستند و همین تمرکز جغرافیایی، برگ برنده میدان نبرد پنجم که همانا فضای مجازی است را در دستان ایران قرار داده؛ فضای مجازی بی‌شک به اینترنت وابسته است و حالا که کابل‌های اینترنت زیرآبی از تنگه هرمز عبور می‌کند؛ در صورتی که این کابل‌ها بنا به هر دلیلی آسیبی ببیند که منجر به از کار افتادن آن‌ها شود؛ می‌تواند اتصال اینترنت را به شدت مختل کرده و خسارات اقتصادی قابل توجهی به کشورهای خلیج فارس وارد کند. همچنین از آنجایی که همه این کابل‌ها در یک نوار باریک و متراکم قرار دارند. این تراکم، آسیب همزمان به چند کابل را آسان‌تر می‌کند.
در این گزارش قصد داریم بررسی کنیم که چنانچه قطع یا آسیب به کابل‌های زیرآبی اینترنت در تنگه هرمز جدی باشد دقیقا چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

تاثیرات قطع اینترنت بر کشورهای حوزه خلیج فارس

در صورت قطع اینترنت یا اختلال شدید اینترنت در کشورهای خلیج فارس، کشورهای امارات، قطر، بحرین، کویت و عراق بیشترین آسیب را می‌بینند و ارتباط این کشورها با اروپا، آسیا، و آمریکا به شدت کند یا قطع می‌شود.
با این وجود عربستان سعودی به دلیل اینکه بخش زیادی از پهنای باند اینترنت آن از دریای سرخ عبور می‌کند؛ آسیب کمتری می‌بیند. اما باز هم بخش قابل توجهی از ترافیک خاورمیانه و آسیا برای این کشور از تنگه هرمز می‌گذرد.
از سویی دیگر سیستم بانکداری و مالی در امارات می‌تواند با خسارت‌های اقتصادی گسترده‌ای همراه باشد چراکه دبی یکی از هاب‌های مالی جهان است. تراکنش‌های SWIFT، بورس‌ها، پرداخت‌های آنلاین و تجارت نفت، همگی مختل می‌شود. همچنین مراکز داده و هوش مصنوعی در امارات و عربستان آسیب می‌بینند. این در حالی است که این دو کشور، ده‌ها میلیارد دلار در دیتاسنتر و AI سرمایه‌گذاری کرده‌اند و چنانچه اینترنت قطع شود؛ این سرمایه‌گذاری‌ها بدون اتصال پرسرعت به جهان بی‌ارزش می‌شوند. در پی این اتفاق سهام شرکت‌های AWS، مایکروسافت، گوگل و انویدیا با ریزش سنگین همراه خواهد شد. گفتنی است؛ به دلیل وابستگی تجارت الکترونیک، پروازها، لجستیک و خدمات دولتی به اینترنت، با اختلال مواجه خواهند شد. اما علاوه بر کشورهای حوزه خلیج فارس، کشور هند نیز در بخش IT، پرداخت‌ها و خدمات ابری لطمه خواهد دید چراکه حدود ۳۰-۶۰٪ از ترافیک اینترنت هند از این مسیر یا متصل به آن می‌گذرد.

ابعاد جهانی قطع اینترنت

درست است که آسیب به کابل‌های زیرآبی اینترنت در تنگه هرمز باعث قطع کامل اینترنت کل جهان نمی‌شود اما بی‌شک اینترنت در کل دنیا کند خواهد شد.
گفتنی است؛ استفاده از مسیرهای جایگزین مثل عبور از دماغه امید نیک هزینه استفاده از اینترنت را در دنیا بالا خواهد برد و از سرعت اینترنت خواهد کاست. همان‌طور که اشاره شد؛ شرکت‌های آمریکایی که در خلیج فارس سرمایه‌گذاری کرده‌اند مانند AWS، مایکروسافت، گوگل، انویدیا و... به دلیل اینکه قطع شدن دیتاسنترهایی که در امارات و عربستان دارند؛ با افت ارزش سهام مواجه می‌شوند و از آنجایی که این شرکت‌ها نقش مهمی در روند شاخص‌های سهام آمریکایی دارند؛ این احتمال وجود دارد که کل بازار را با خود به پایین بکشند و بازارهای مالی جهانی را با نوسان گسترده همراه کند.

تعمیر کابل‌ها چقدر طول می‌کشد؟

در شرایط عادی تعمیر کابل‌های زیرآبی معمولاً هفته‌ها تا ماه‌ها طول می‌کشد.
اما حالا که تنش‌ها بالا گرفته است؛ ممکن است مانند اتفاقات دریای سرخ در سال ۲۰۲۴-۲۰۲۵ که چند کابل آسیب دید و تعمیر آن ۵-۶ ماه طول کشید؛ این بار نیز تعمیر کابل‌های آسیب‌دیده زمان زیادی ببرد و میلیاردها دلار هزینه در بر داشته باشد. در آن زمان، بلافاصله خدمات وب در هند، پاکستان و بخش‌هایی از آفریقای شرقی با مشکل مواجه شد و این باز نیز احتمال تکرار آن وجود دارد.

اگر اینترنت این کشورها قطع شود؛ دقیقاً چه تأثیراتی روی جنگ خواهد داشت؟

بسیاری از سیستم‌های مدرن نظامی هنوز به پهنای باند بالا و ارتباط سریع به اینترنت جهانی وابسته‌اند که قطع کابل‌های هرمز باعث اختلال در انتقال داده‌ها، تصاویر ماهواره‌ای، اطلاعات شناسایی و دستورات عملیاتی می‌شود. در این شرایط آمریکا مجبور می‌شود بیشتر به ماهواره‌هایی تکیه کند که ظرفیت محدودتری دارد و با تأخیر بیشتری داده‌ها را جابه‌جا می‌کند. این موضوع دقت عملیات نظامی را برای دشمن کاهش می‌دهد و حتی باعث کور شدن بخشی از نظارت نظامی آن می‌شود و از طرفی تأمین مهمات، سوخت و قطعات یدکی برای نیروهای آمریکایی در منطقه به شدت کند می‌شود. این اختلال یک برتری نامتقارن به ایران می‌دهد و باعث می‌شود آمریکا با اینترنت ضعیف‌تر بجنگد، در حالی که ایران می‌تواند از شبکه‌های زمینی و ماهواره‌ای خودش استفاده کند. در نتیجه حملات آمریکا روز به روز کمتر، کندتر و گران‌تر می‌شود و نمی‌تواند یک کمپین هوایی گسترده و مداوم مثل قبل راه بیندازد و بیشتر به اسرائیل وابسته می‌شود و کوچکترین اشتباهی منجر به تلفات نظامی بیشتری برای آمریکا می‌شود و ایران بدون اینکه مستقیماً به پایگاه‌های آمریکایی حمله کند، توانایی جنگی آمریکا در منطقه را به شدت کاهش می‌دهد و نهایتا ایران پیروز این نبرد می‌شود.

روایتی از شکاف میان اعداد رسمی و واقعیت بازار کار

چهره واقعی آمار بیکاری

فاطمه کریمی

در شرایطی که آمارهای رسمی هنوز از ثبات نسبی نرخ بیکاری سخن می‌گویند، شواهد میدانی از موج تعدیل نیرو در استان‌هایی مانند هرمزگان تا افزایش تقاضا برای بیمه بیکاری حکایت از بحرانی عمیق‌تر در بازار کار ایران دارد؛ «هادی ابراهیمی»، فعال سیاسی و اجتماعی، با اشاره به ریزش گسترده مشاغل و گسترش بیکاری پنهان تأکید کرد که جنگ اخیر، نه‌تنها تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار را بر هم زده، بلکه چشم‌انداز اشتغال در کشور را وارد مرحله‌ای از نااطمینانی بی‌سابقه کرده است.

بر اساس داده‌های رسمی منتشرشده از سوی نهادهای آماری، نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۴ به ۷.۶ درصد رسیده است؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل تنها کاهش جزئی ۰.۲ درصدی را نشان می‌دهد. در نگاه نخست، این آمار می‌تواند نشانه‌ای از ثبات نسبی در بازار کار تلقی شود، اما بررسی دقیق‌تر شاخص‌های مکمل، تصویر متفاوتی را نمایان می‌کند.
نرخ مشارکت اقتصادی در همین بازه زمانی با کاهش ۰.۴ درصدی مواجه شده و جمعیت غیرفعال شامل افرادی که از جست‌وجوی کار منصرف شده‌اند افزایش قابل توجهی یافته است. این تغییرات، از منظر کارشناسان، نشانه‌ای از گسترش «بیکاری پنهان» است؛ پدیده‌ای که در آن افراد عملاً از بازار کار خارج می‌شوند، بدون آنکه در آمار بیکاران ثبت شوند.در کنار این، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۲۱.۲ درصد رسیده و بیکاری در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال نیز روندی افزایشی را تجربه کرده است. همچنین سهم اشتغال ناقص و افرادی که کمتر از ظرفیت واقعی خود کار می‌کنند، نشان‌دهنده فشار مضاعف بر نیروی کار است. این مجموعه داده‌ها در کنار یکدیگر، حکایت از بازاری دارند که اگرچه در ظاهر آرام است، اما در لایه‌های زیرین با چالش‌های جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

هرمزگان؛ نمونه‌ای از بحران در مقیاس استانی

در سطح میدانی، نشانه‌های این بحران با وضوح بیشتری قابل مشاهده است. استان هرمزگان در ماه‌های اخیر به یکی از کانون‌های اصلی نگرانی در حوزه اشتغال تبدیل شده است. گزارش‌ها از تعدیل نیرو در بنگاه‌های تولیدی، صنعتی و خدماتی حکایت دارد؛ روندی که به گفته مسئولان استانی، حدود ۶ هزار نفر را در معرض بیکاری قرار داده است.
این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که استانداری هرمزگان با صدور ابلاغیه‌ای، هرگونه تعدیل نیرو را ممنوع اعلام کرده و هم‌زمان از طراحی بسته‌های حمایتی برای حفظ اشتغال خبر داده است. همچنین اقداماتی نظیر مکانیزه‌سازی فرآیند بیمه بیکاری و فعال‌سازی کارگروه‌های ویژه برای صیانت از اشتغال در دستور کار قرار گرفته است. با این حال، تجربه‌های میدانی نشان می‌دهد که صرف صدور دستورهای اداری، به‌تنهایی قادر به مهار روند تعدیل نیرو نیست. بسیاری از بنگاه‌ها به دلیل کاهش درآمد، افزایش هزینه‌ها و اختلال در زنجیره تأمین، با تنگناهای جدی مواجه شده‌اند و در چنین شرایطی، حفظ سطح اشتغال بدون حمایت‌های عملی و گسترده، دشوار به نظر می‌رسد.

شوک جنگ به بازار کار

«هادی ابراهیمی»، فعال سیاسی و اجتماعی، در گفت‌وگویی، جنگ اخیر را نقطه عطفی در تحولات بازار کار ایران می‌داند. به گفته او، این جنگ مجموعه‌ای از شوک‌های ساختاری را به اقتصاد تحمیل کرده که آثار آن در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به‌وضوح قابل مشاهده است.
ابراهیمی معتقد است که یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ، برهم خوردن تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار بوده است. او با اشاره به داده‌های موجود، از بیکاری مستقیم و غیرمستقیم حدود ۲ میلیون نفر خبر داد؛ آماری که به‌خوبی عمق بحران را نشان می‌دهد.
به گفته وی، هم‌زمان با افزایش تعداد بیکاران، فرصت‌های شغلی نیز به‌طور محسوسی کاهش یافته است. گزارش‌های نهادهای کاریابی نشان می‌دهد که میزان آگهی‌های استخدامی در برخی مقاطع تا بیش از ۲۰ درصد افت داشته است. این کاهش، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند فناوری اطلاعات، گردشگری، ساختمان و خدمات دیجیتال، نمود بیشتری داشته است.
نتیجه این وضعیت، افزایش شدید رقابت در بازار کار است؛ جایی که تعداد متقاضیان شغل به‌مراتب بیشتر از فرصت‌های موجود است و این امر، شرایط را برای ورود یا بازگشت به بازار کار دشوارتر کرده است.

بخش‌های آسیب‌پذیر؛ از خدمات تا صنعت

در تحلیل ابراهیمی، برخی بخش‌های اقتصادی بیش از دیگران در معرض آسیب قرار گرفته‌اند. بخش خدمات و کسب‌وکارهای مبتنی بر اینترنت، به دلیل وابستگی به ثبات اجتماعی و زیرساخت‌های ارتباطی، از نخستین قربانیان شرایط جنگی بوده‌اند. این حوزه که در سال‌های اخیر نقش مهمی در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایفا می‌کرد، اکنون با کاهش تقاضا و محدودیت‌های جدی مواجه شده است. در کنار آن، صنایع مولد نیز به دلیل آسیب به زیرساخت‌های انرژی، کمبود مواد اولیه و مشکلات نقدینگی، با افت تولید یا توقف فعالیت روبه‌رو شده‌اند. بسیاری از این واحدها، ناگزیر به کاهش نیروی انسانی یا تعطیلی موقت شده‌اند؛ روندی که نه‌تنها اشتغال مستقیم، بلکه کل زنجیره تأمین را تحت تأثیر قرار داده است.

بیکاری پنهان، مشاغل غیررسمی و آینده مبهم

یکی از نکات کلیدی که ابراهیمی بر آن تأکید دارد، تغییر در الگوی مشارکت اقتصادی است. به گفته او، بخشی از نیروی کار به‌ویژه زنان و شاغلان غیررسمی در نتیجه ناامیدی از یافتن شغل یا شرایط نامساعد اقتصادی، از بازار کار خارج شده‌اند. این پدیده که در قالب کاهش نرخ مشارکت اقتصادی قابل مشاهده است، به گسترش بیکاری پنهان منجر شده است. هم‌زمان، بسیاری از افراد برای تأمین معیشت، به سمت مشاغل غیررسمی و روزمزد سوق پیدا کرده‌اند؛ مشاغلی که فاقد پوشش بیمه‌ای و حمایت‌های قانونی هستند و امنیت شغلی بسیار پایینی دارند. ابراهیمی همچنین به پدیده «انجماد سرمایه» اشاره کرد؛ وضعیتی که در آن، سرمایه‌گذاران به دلیل نااطمینانی از آینده، از اجرای طرح‌های جدید و جذب نیروی انسانی خودداری می‌کنند. این مسئله حتی بنگاه‌هایی را که به‌طور مستقیم از جنگ آسیب ندیده‌اند، تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را به سمت کاهش هزینه‌ها از جمله تعدیل نیرو سوق داده است. در مجموع، آنچه از کنار هم قرار دادن آمارهای رسمی، شواهد میدانی و تحلیل‌های کارشناسی برمی‌آید، تصویری پیچیده از بازار کار ایران در شرایط پساجنگ است. از یک سو، سیاست‌گذاران با ابزارهایی مانند ممنوعیت تعدیل نیرو، ارائه بسته‌های حمایتی و توسعه بیمه بیکاری در تلاش برای کنترل اوضاع هستند؛ به‌گونه‌ای که طبق اعلام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حدود ۱۵۰ هزار نفر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند. اما از سوی دیگر، عمق و گستره تحولات به‌گونه‌ای است که به نظر می‌رسد عبور از این وضعیت، نیازمند رویکردی فراتر از اقدامات کوتاه‌مدت است. بازسازی اعتماد در فضای اقتصادی، ایجاد ثبات در متغیرهای کلان و فراهم‌سازی زمینه برای بازگشت سرمایه‌گذاری، از جمله پیش‌شرط‌هایی است که بدون آن‌ها، چشم‌انداز بازار کار همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند. در چنین شرایطی، تجربه استان‌هایی مانند هرمزگان می‌تواند به‌عنوان هشداری جدی تلقی شود.

گزارش

شروع یک بازی سیاسی با چراغ سبز آمریکا

اوپک بدون امارات

مرضیه مستاجری
خبرنگار

امارات متحده عربی خروج خود از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و ائتلاف گسترده‌تر اوپک و متحدانش (اوپک پلاس) را پس از ۵۹ سال اعلام کرد؛ اقدامی که در بحبوحه درگیری‌های منطقه‌ای با محوریت ایران و اختلال شدید در عرضه جهانی نفت، تا حدودی یک تغییر مهم در سیاست انرژی جهان محسوب می‌شود.
این تصمیم که روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت تأیید شد، از روز جمعه اول مه (۱۱ اردیبهشت) اجرایی شد. اقدامی که ضربه‌ای جدی به این ائتلاف نفتی و رهبر غیررسمی آن، یعنی عربستان وارد می‌کند. امارات که همواره به‌عنوان عضوی مهم و قابل‌اعتماد شناخته می‌شد، حالا با این خروج می‌تواند هماهنگی درون این بلوک را تضعیف کند؛ آن هم در شرایطی که بازارها بی‌ثبات هستند و مسیرهای تأمین تحت فشار قرار دارند. این در حالی است که امارات از سال ۱۹۶۷ عضو اوپک بوده و پیش از این، کشورهایی مانند قطر (۲۰۱۹) و آنگولا (۲۰۲۴) اکوادور، گابن و اندونزی نیز اغلب به دلیل اختلاف بر سر سهمیه‌ها، از این سازمان خارج شده‌اند. قیمت نفت برنت دریای شمال بلافاصله پس از انتشار این خبر با افزایش ۲٫۶ درصدی به ۱۱۱ دلار در هر بشکه رسید. وزیر انرژی امارات در بیانیه‌ای اعلام کرد که این تصمیم در راستای تحولات سیاست‌گذاری در بخش انرژی و مطابق با واقعیت‌های بلندمدت بازار گرفته شده است. او همچنین تأکید کرد که امارات همچنان متعهد به تأمین انرژی پایدار، قابل‌اعتماد و با آلایندگی کمتر برای حفظ ثبات بازار جهانی خواهد بود.

برجسته شدن شکاف ریاض و ابوظبی

شایعات مبنی بر خروج امارات از اوپک پلاس سال‌هاست که در بحبوحه وخامت روابط با ریاض بر سر درگیری‌ها در سودان، سومالی و یمن، منتشر می‌شود. این خروج به نظر می‌رسد در وهله اول متوجه عربستان سعودی است که رهبر هر دو ائتلاف است. بر این اساس امارات می‌تواند تولید نفت خود را آزادانه و بدون پایبندی به سهمیه‌های اوپک پلاس افزایش دهد و خروج آن (به عنوان یک عضو اصلی) با تولید بالا ممکن است منجر به افزایش عرضه جهانی نفت شود؛ عاملی که ممکن است فشار برای کاهش قیمت‌ها را به همراه داشته باشد. عربستان به طور سنتی با کاهش تولید خود و اعمال انضباط در میان اعضای گروه، قیمت‌های نفت را مدیریت می‌کرد. با خروج امارات، عربستان باید بسیار بیشتر بر کاهش تولید نفت خود برای تثبیت قیمت‌ها تکیه کند. این موضوع دفاع از قیمت نفت را برای ریاض پرهزینه‌تر و کم‌اثرتر خواهد کرد. همچنین توانایی این کشور در مدیریت و اعمال انضباط در گروه اوپک را تضعیف می‌کند. عربستان به قیمت بالای نفت، حدود ۹۰ دلار در هر بشکه، نیاز دارد تا هزینه‌های دولتی و چشم‌انداز جاه‌طلبانه ۲۰۳۰ خود را تأمین کند، مجموعه‌ای از پروژه‌های بزرگ زیرساختی برای کاهش وابستگی پادشاهی به سوخت‌های فسیلی که شامل شهر آینده‌نگرانه ۵۰۰ میلیارد دلاری نئوم نیز می‌شود. هر بشکه اضافی که این کشور وارد بازار نمی‌کند، به معنای از دست دادن درآمد است و توانایی عربستان برای رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خروج کنونی امارات به نظر می‌رسد که می‌تواند نشان‌دهنده یک شکاف واقعی بین دو کشور باشد. این اقدام همچنین در زمانی رخ می‌دهد که نفوذ کلی اوپک در حال کاهش است. این کارتل زمانی بیش از نیمی از عرضه جهانی را کنترل می‌کرد، امروز کمتر از یک‌سوم را در اختیار دارد. خروج امارات نارضایتی‌های فزاینده از سیستم سهمیه‌بندی اوپک را برجسته می‌کند و شکاف‌ها، به ویژه با ریاض را آشکار می‌سازد.

میزان تاثیر خروج امارات از اوپک بر قیمت نفت

امارات متحده عربی پس از خروج از اوپک، به جمع تولیدکنندگان مستقل نفت مانند آمریکا و برزیل که به دلخواه خود نفت تولید می‌کنند، خواهد پیوست. البته در حال حاضر، به دلیل محدود شدن کشتیرانی از طریق تنگه هرمز، امارات کار زیادی برای افزایش تولید یا صادرات نمی‌تواند انجام دهد. بنابراین زمانی که کشتیرانی به سطح قبل از جنگ بازگردد، ابوظبی که در حال حاضر ظرفیت تولیدش ۳٫۲ میلیون بشکه در روز تعیین شده، می‌تواند تولید خود را به ظرفیت پنج میلیون بشکه در روز نفت خام و مایعات افزایش دهد. با خروج امارات، سهم اوپک از کنترل عرضه جهانی نفت از حدود ۳۰ درصد به ۲۶ درصد کاهش خواهد یافت. اگر این تصمیم موجب فروپاشی بیشتر گروه یا افزایش تولید توسط عربستان و روسیه شود، می‌تواند به نوسانات شدیدتر قیمت نفت منجر گردد. تحلیلگران هشدار می‌دهند در میان‌مدت، اگر سایر تولیدکنندگان با ظرفیت مازاد ببینند که امارات با موفقیت انعطاف‌پذیری و سهم بازار را در خارج از اوپک به دست آورده، تشویق می‌شوند دنباله‌روی آن باشند. در حال حاضر، اکثر اعضا فاقد ظرفیت تولید یا تنوع اقتصادی امارات هستند، بنابراین خروج دسته‌جمعی بعید است. به نظر می‌رسد خروج این کشور از اوپک‌پلاس در این بازه زمانی بیشتر از آن که شوک جدی به بازار جهانی انرژی وارد کند و بیش از آنکه جنبه فنی داشته باشد، یک بازی سیاسی در سطح منطقه است.

نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در تصمیم امارات

اعلام این موضوع درست در بازه زمانی‌که امارات به‌طور فزاینده‌ای به آمریکا و رژیم صهیونیستی نزدیک شده است، صورت گرفت. به‌خصوص با اعزام سیستم گنبد آهنین از سوی اسرائیل به امارات که نشان دهنده یک پیوند دفاعی میان تلاویو و ابوظبی می‌باشد. به‌گونه‌ای که امارات را به‌عنوان اصلی‌ترین شریک نظامی امریکا و اسرائیل در جنگ با ایران معرفی می‌کند. عضویت در اوپک‌پلاس به کشورها وزن دیپلماتیک و بین‌المللی بیشتری می‌دهد؛ یکی از دلایلی که تحلیلگران برای تصمیم ایران برای ماندن در اوپک حتی در اوج جنگ با کشورهای خلیج فارس ذکر کرده‌اند. اکنون با توجه به ناامید شدن امارات از کشورهای عربی برای واکنش در مقابل ایران بخصوص در دوره جنگ رمضان، چرخش مسیر ابوظبی به سوی واشنگتن و تل‌آویو و در راستای اهداف آن‌ها بیشتر نشان از شروع یک بازی سیاسی جدید در قالب خروج از اوپک است تا اثرگذاری واقعی این خروج بر تولید و قیمت نفت. به نقل از آر تی، «محمد الصبان» مشاور سابق وزیر انرژی عربستان تصریح کرد: «بعید نیست در پشت این تصمیم‌گیری آمریکا حضور داشته باشد. ترامپ دوست دارد خود را به عنوان کنترل‌کننده بازارهای نفت جهانی نشان دهد. هدف از این اقدام ایجاد تزلزل در اوپک پلاس است اما این اتفاق نخواهد افتاد». همانگونه که با انتشار این خبر ترامپ خروج امارات از اوپک را اتفاقی مثبت ارزیابی کرد. خروجی در راستای برنامه رئیس‌جمهور آمریکا، تولید بیشتر نفت، کاهش قیمت آن، در نتیجه مدیریت بحران قیمت نفت. این خروج زمینه را برای بعد از باز شدن تنگه هرمز و مدیریت قیمت نفت در سطح جهانی را فراهم می‌کند.

محیا تکنده
روانشناس بالینی

تحلیل بحران پنهان خانواده پشت درهای بسته؛ از فشار اقتصادی تا عادی‌سازی خشونت

تاب‌آوری در یک ترومای نیابتی

در سال‌های اخیر، جامعه ایران با انباشتی از بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است. تورم مزمن، کاهش شدید قدرت خرید، بیکاری گسترده و متعاقب آن، افزایش اختلالات روانی مانند اضطراب فراگیر و افسردگی، به بخش جدایی‌ناپذیری از زیست روزمره شهروندان تبدیل شده است. در چنین شرایط چند بحرانی، نهاد خانواده که در تئوری باید پناهگاهی امن در برابر تلاطم‌های بیرونی باشد، خود به عرصه‌ای برای بازتولید خشونت و سرخوردگی تبدیل می‌شود. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که در ایران، بسته به منطقه جغرافیایی، تا ۶۶ درصد از زنان نوعی از خشونت خانگی را تجربه می‌کنند. این آمار هشداردهنده، دیگر یک انحراف فردی نبوده و به یک مسئله اجتماعی ساختار یافته بدل شده است. آنچه در این میان به عنوان یک فوریت اجتماعی اغلب نادیده گرفته می‌شود، رابطه مستقیم بین فروپاشی سرمایه اقتصادی و فرسایش تاب‌آوری روانی در سیستم خانواده است. ضرورت دارد نهادهای مدنی، روزنامه‌نگاران، روانشناسان و قانون‌گذاران دست به دست هم دهند تا این معضل پنهان را از حاشیه به متن بیاورند، از قربانیان محافظت کنند و فرهنگ گفتگو به جای مشت را در خانه‌های ایرانی نهادینه سازند.

سرایت بحران اقتصادی به پیکره خانواده

نخستین حلقه از زنجیره فروپاشی تاب‌آوری، شوک‌های اقتصادی مکرر است. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد که تورم مزمن و کاهش بی سابقه ارزش پول ملی، نه تنها سفره معیشت، بلکه روابط عاطفی را نیز هدف قرار می‌دهد. در شرایط کمبود منابع، کوچکترین اختلافات مالی یا تصمیم‌گیری‌های روزمره می‌توانند به مسابقه‌ای برای بقا تبدیل شوند که در آن همسر به عنوان نزدیک‌ترین هدف، بار خشم ناشی از ناکامی‌های بیرونی را به دوش می‌کشد. یک مطالعه مروری جامع که داده‌های ۴۲,۲۳۹ نفر را در ایران بررسی کرده است، نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی شامل بیکاری، درآمد پایین، و وابستگی اقتصادی زنان، یکی از شش دسته عوامل اصلی بروز خشونت خانگی هستند. نکته حائز اهمیت این است که این فشارها صرفا مادی نیستند، بلکه استرس مالی مزمن ظرفیت تحمل روانی افراد را کاهش می‌دهد. فرسودگی روانی ناشی از عدم توانایی در تامین نیازهای اولیه مثل مسکن، درمان و تغذیه منجر به کاهش چشمگیر صبر روانی و افزایش تکانشگری می‌شود. در چنین وضعیتی، به گفته یکی از قربانیان در پژوهشی کیفی: «یکی از دلایل اصلی خشونت این است که زن از نظر مالی مستقل نیست... شوهرم می‌داند که پشتوانه مالی ندارم و هر کاری بکند باید تحمل کنم». این جمله به خوبی نشان می‌دهد که چگونه نبود استقلال اقتصادی، نه یک ضعف شخصی که یک حلقه آسیب‌پذیری ساختاری است که حلقه خشونت را محکم می‌کند.

فروپاشی تاب‌آوری

تاب‌آوری در ادبیات روانشناسی اجتماعی، به معنای توانایی بازیابی و انطباق مثبت در مواجهه با ناملایمات است. اما نکته انتقادی اینجاست که تاب‌آوری، یک ویژگی ذاتا فردی نیست و تابعی از سرمایه اجتماعی و حمایت نهادی در دسترس فرد است. یافته‌های کیفی از مصاحبه با ۲۰ زن قربانی خشونت در اردبیل نشان می‌دهد که یکی از موانع اصلی خروج از چرخه خشونت، بی‌اثر بودن نهادهای حامی است. قربانیان گزارش می‌دهند که مراجعه به مراکز حمایتی اغلب با پاسخ‌های غیرحرفه‌ای، سرزنش یا توصیه به تحمل به خاطر بچه‌ها و فرو نپاشیدن خانواده مواجه می‌شوند. این پاسخ‌های ناکارآمد، خود به نوعی آسیب ثانویه بدل می‌شوند. آن‌چه از نظر جامعه‌شناختی فروپاشی تاب‌آوری نامیده می‌شود، در واقع حاصل «درماندگی آموخته‌شده» است. زمانی که سیستم از حمایت موثر خودداری می‌کند، یا هزینه‌های قانونی چنان بالاست که شوهر می‌تواند به راحتی وکیل بگیرد اما زن نمی‌تواند، قربانی به این باور می‌رسد که هر اقدامی بی‌فایده است.

از ابعاد ساختاری تا بی‌عدالتی نظام‌مند

از منظر جامعه‌شناختی، خشونت خانگی هرگز یک مسئله خصوصی صرف نیست، بلکه بازتابی از نابرابری قدرت در سطح خرد یعنی روابط جنسیتی و ساختارهای کلان یعنی بنیادهای حقوقی و اقتصادی است. یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل این وضعیت، بی‌عدالتی معرفتی است؛ یعنی نادیده گرفته شدن نظام‌مند صدای زنان و تجربیات آنها. در ایران، این بی‌عدالتی نه تنها در دادگاه‌ها، بلکه در گفتمان عمومی نیز جریان دارد. به عنوان مثال، پرونده گلی کوهکن در گرگان که در روزنامه‌های بین‌المللی و سازمان ملل مطرح شد، دختری که در ۱۲ سالگی به عقد پسرعمویش درآمده بود، به وضوح ابعاد این فاجعه ساختاری را نشان می‌دهد. او پس از سال‌ها تحمل آزار همسرش، در دفاع از پسر ۵ ساله‌اش باعث مرگ همسرش شد و به اعدام محکوم گردید. نکته تلخ اینجاست که پدرش به او گفته بود: «دخترم را با لباس سفید دادم، تنها راه برگشتت کفن است». این یک روایت شخصی نیست؛ بازتولید یک هنجار فرهنگی عمیق است که در آن بقای خانواده یا آنچه آبروی خانواده نامیده می‌شود بر حق حیات و امنیت فرد اولویت دارد. در چنین ساختاری، قوانین نیز به جای حمایت از قربانی، گاهی به ابزاری برای بازتولید خشونت تبدیل می‌شوند، آن‌جا که نگاه به زن قربانی خشونت، به عنوان مجرم بالقوه یا منحرف است.

قربانیان پنهان

خشونت خانگی تنها به قربانی مستقیم آن محدود نمی‌شود بلکه به عنوان یک ترومای نیابتی به آرامی سرمایه اجتماعی نسل آینده را می‌سوزاند. کودکانی که شاهد خشونت هستند، بدون اینکه آسیب فیزیکی ببینند، دچار اختلال استرس پس از سانحه، اختلال دلبستگی و الگوبرداری رفتاری می‌شوند. شاهد بودن مکرر صحنه‌های خشونت، مدارهای عصبی مرتبط با ترس و پرخاشگری را در مغز کودک تقویت می‌کند. این کودکان در بزرگسالی یا به قربانیان منفعل بدل می‌شوند یعنی بازتولید نقش مادر یا به پرخاشگرانی تبدیل می‌شوند که خشونت را زبان عادی حل تعارض می‌دانند. در ادبیات روانشناسی رشد، به این پدیده چرخه بین‌نسلی خشونت می‌گویند. مطالعه مروری انجام شده در ایران نشان داد که سابقه خشونت در خانواده مبدا یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های خشونت در زندگی زناشویی آینده است. به عبارت دیگر، وقتی جامعه امروز شاهد فروپاشی تاب‌آوری در خانواده‌ای است، در واقع در حال تربیت نسلی است که فردا فاقد مهارت‌های اساسی برای ایجاد خانواده‌ای امن خواهد بود. هزینه این فروپاشی را نه تنها روان‌درمانگران، بلکه سیستم قضایی و رفاهی آینده نیز باید پرداخت کند.

زنان سرپرست خانوار

یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در شرایط چندبحرانی، زنان سرپرست خانوار هستند. این قشر که تعداد آن‌ها در ایران از مرز ۶ میلیون نفر گذشته، نه تنها دو بار فشار اقتصادی یعنی تامین معاش و مدیریت بحران را تحمل می‌کنند، بلکه به دلیل نبود حامی مرد در ساختار پدرسالارانه، بیشتر در معرض انواع خشونت‌های ساختاری و بین فردی قرار دارند. در یک چارچوب تحلیلی عمیق‌تر، اقتصاد تحریمی و شرایط جنگی به طور خاص بر روی دوش زنان سنگینی می‌کند. محققان این پدیده را «مدارهای جنسیتی خشونت» نامیده‌اند. جایی که خشونت ساختاری ناشی از تحریم‌ها و فقر، مستقیما به خشونت خانگی فیزیکی تبدیل می‌شود. در این میان، زنان سرپرست خانوار در خط مقدم این مدار قرار دارند. نبود حمایت نهادی و قوانین سختگیرانه حضانت که گاهی مادر بی‌بضاعت را تهدید به از دست دادن فرزندش می‌کند، این زنان را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای بقا، ناچار به ازدواج مجدد اجباری، مهاجرت به حاشیه شهرها، یا تحمل خشونت‌های سنگین‌تر شوند. نکته حائز اهمیت این است که حتی اگر این زنان از خشونت فرار کنند، به دلیل انگ اجتماعی طلاق و نداشتن پایگاه اقتصادی، اغلب به جایگاه اول خود بازمی‌گردند یا وارد چرخه آسیب‌های اجتماعی جدیدی می‌شوند.

گذار از نگاه خیریه‌ای

خشونت خانگی در شرایط بحران اقتصادی و سیاسی، دیگر یک انحراف رفتاری فردی نیست و بحران سیستمیک و اپیدمی خاموش است. داده‌های علمی به وضوح نشان می‌دهند که تاب‌آوری خانواده در گرو متغیرهایی فراتر از اراده فردی است متغیرهایی مانند امنیت شغلی، حمایت قانونی غیرشرطی، و وجود شبکه‌های اجتماعی قوی. راهکار صرفا ساخت پناهگاه بیشتر یا افزایش مجازات در قانون مجازات اسلامی نیست، بلکه بازتعریف حمایت اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی و حق شهروندی است. نخست، باید هزینه کمک‌خواهی برای قربانی کاهش یابد. تحقیقات نشان داده که ترس از انگ، هزینه‌های دادرسی حق الوکاله، کارشناسی و پاسخ‌های کلیشه‌ای پلیس، مهم‌ترین موانع خروج از بحران هستند. دوم، توانمندسازی زنان در ابعاد حقوقی و اقتصادی از طریق آموزش‌های مهارتی و اعطای وام‌های خرد که تجربه آن در برخی سازمان‌های دولتی نتایج مثبتی مثل افزایش ۳۰ درصدی درآمد خانوار داشته است. سوم، تغییر گفتمان عمومی از حفظ بنیان خانواده به هر قیمتی به حفظ خانواده سالم و عاری از خشونت است. جامعه ایران نیازمند بازسازی سرمایه اجتماعی خود است؛ جایی که همسایه، خویشاوند و نهادهای مدنی بتوانند قبل از وقوع فاجعه، در نقش یک حامی موثر وارد عمل شوند. در غیر این صورت، هر جهش قیمت ارز یا هر شوک سیاسی جدید، نه تنها تورم، بلکه خشم فروخفته در خانواده‌های بی‌شماری را بیدار کرده و بازماندگانی را تحویل جامعه خواهد داد که تاب‌آوری خود را برای همیشه از دست داده‌اند.

میز خبر

مدیرکل حفاظت محیط زیست هرمزگان خبر داد:

آلودگی نفتی ناشی از جنگ در سواحل لاوان

سرویس اجتماعی

با اشاره به سیاه شدن سواحل جزایر لاوان و مارو در پی حمله دشمن، نسبت به تبعات ماندگار آلودگی نفتی بر اکوسیستم مرجانی منطقه هشدار داد.حبیب مسیحی تازیانی با تایید خبر آلودگی در سواحل جنوب، اظهار کرد: حمله دشمن به سواحل کشورمان موجب خسارت نشت مواد نفتی به خلیج‌فارس شده است که آثار این آلودگی هم‌اکنون در سواحل جزیره لاوان و مارو مشاهده می‌شود.
وی با بیان اینکه پاکسازی سواحل صخره‌ای به دلیل سطح سخت آن‌ها بسیار دشوار است، افزود: با وجود این سختی‌ها، بخشی از آلودگی‌ها جمع‌آوری شده است.
مدیرکل حفاظت محیط زیست هرمزگان، خاطرنشان کرد: هرچند تاکنون تلفاتی در میان لاک‌پشت‌ها گزارش نشده، اما این آلودگی‌ها به سرعت از اکوسیستم پاک نمی‌شوند و اثرات مخرب و ماندگاری بر سواحل و مرجان‌های منطقه بر جای خواهند گذاشت.

مدیر کل آموزش و پرورش هرمزگان:

معلمان نمونه، مشاوران آموزشی و فرهنگی می‌شوند

سرویس اجتماعی

مدیر کل آموزش و پرورش هرمزگان گفت: تمامی معلمان نمونه استانی به عضویت شورای آموزش و پرورش مناطق درآمده و حکم مشاوره آموزشی و فرهنگی دریافت کردند.
به گزارش صبح‌ساحل، منوچهر ضیایی مدیرکل آموزش و پرورش استان هرمزگان ضمن تبریک هفته معلم به تمامی فرهنگیان و تلاشگران عرصه تعلیم و تربیت استان، اظهار کرد: برنامه‌های امسال با شعار «برای معلم، برای ایران» و با رویکرد تکریم معلم بزرگ انقلاب، امام شهید و پاسداشت یاد و نام ۲۶ معلم شهید مدارس شجره طیبه میناب برگزار می‌شود.
وی با اشاره به فرآیند انتخاب معلمان نمونه، اسامی برترین‌های استانی را سمیرا مهری، مینا قصوریان، عاطفه شکوهی‌پور بندری، ایران ملک‌شاهی، زهرا رجب‌زاده، محمد زاره‌زاده، حسین رئیسی و غلامرضا صالحی اعلام کرد و افزود: غلامرضا صالحی رودانی موفق به کسب عنوان معلم نمونه ملی نیز شده است.
به گفته ضیایی این معلمان نمونه به عضویت شورای آموزش و پرورش مناطق درآمده و به عنوان مشاور آموزشی و فرهنگی رؤسای مناطق منصوب خواهند شد.
مدیرکل آموزش و پرورش هرمزگان در بخش دیگری از سخنان خود به آغاز نهضت ساخت مدارس به تعداد ۱۶۸ شهید مدارس شجره طیبه اشاره کرد و اذعان داشت: در گام اول، ۶ مدرسه در زمینی به مساحت ۲۶ هزار متر مربع در میناب احداث می‌شود که کلنگ‌زنی مدرسه نخست توسط آستان مقدس امام حسین (ع) انجام شده و عملیات اجرایی آن از اول خرداد آغاز می‌گردد، همچنین آستان قدس رضوی مسئولیت ساخت مدرسه دوم را بر عهده گرفته است.
وی با دعوت از خیرین برای مشارکت در پویش «فرشته‌های میناب» از طریق سایت «بساز مدرسه»، بر اهمیت زنده نگه داشتن یاد شهدایی همچون شهید جاویدالاثر «ماکان نصیری» تأکید کرد. ضیایی در پایان، خاطرنشان کرد: برنامه‌های متنوعی از جمله نواختن زنگ سپاس معلم، تجدید میثاق با آرمان‌های شهدا و گفت‌وگو با پیشکسوتان و نومعلمان در سراسر استان پیش‌بینی شده تا ضمن قدردانی از فداکاری فرهنگیان، پیوند میان جامعه و نظام تعلیم و تربیت مستحکم‌تر شود.

جدول کلمات متقاطع | دوره جدید شماره۴۸۴۶

طراح : مهدی سنگی

افقی

۱-با اعتدال ومحافظه کار-غیر مترقبه۲-اتومبیل سواری حمل مسافر-غده سرطانی خاورمیانه لقب گرفته۳-رتبه کارمندی-درست وسرراست-کرگدن-هوش وحافظه۴-نفی تازی-می گویند حبیب خداست -تنه درخت-بنده وشما۵-پرحرف وروده دراز-آیین ها ومراسمات-کاشف انگلیسی گردش خون۶-نویسنده فرانسوی اثرطاعون-جوان وبرنا-روادید۷-دست عرب-نحس ناقص-زمزمه کننده با آوای خوش-طبل آدم مغرور۸-کتابی ازجمالزاده ۹-شهری درسوئیس-پارچه کشباف-ضمیر فرانسوی-گربه عرب ۱۰-مبتدی وتازه کار-محلی درمکه-سرشت وخصوصیات ذاتی۱۱-از توابع جزیره قشم-اهل کشور گاندی-پول چینی۱۲-از حروف ندا-جزیره ای درشطرنج-هنرهفتم-دوستی ومحبت ۱۳-نوعی ازخالکوبی روی بدن-خانه ییلاقی-خدای درویش-آیین کشیدنی۱۴-ازاشکال هندسی-امتداد فیزیکی۱۵-نام قاتل گاندی-از نامهای قدیم همدان

عمودی

۱-علم کار بافلزات-دستگاهی برای تولید برق۲-نام کوچک کمال نویسنده ترک-اختراع آلفرد نوبل سوئدی۳-گرسنه عرب-صدمه وآسیب-عمارت عالی دارای باغ-قرض بانکی۴-پیرامون دهان-رایگان وبلاعوض-گاومیش تبتی-عدد عنقا۵-هیزم-دوستی وعطوفت-دانشمند انگلیسی ومعروف مکانیک آسمانی ۶-خجالتی-آماس-بلیغ ورسا۷-گشوده شده-تک خال برنده-شهر پیامبر اسلام-بت بی سروپا۸-کتابی ازشولوخف نویسنده روسی۹-تصدیق ایرانی-جهانگرد ونزی-ماه سردسال-علامت جمع در فارسی۱۰-کفیل وعهده دار غرامت-پسران وفرزندان عرب-نوعی کلاه مصری۱۱-هواپیما-وابسته ومربوط-کج وخمیده۱۲-چهارمن تبریزی -نو بت بازی-فرش مستمندان -عدد یازده ۱۳-شیمی کربن-ازجزایر فیلیپین -درون وداخل-رها شد ونجات یافت۱۴-تعلیم دهنده-کتاب زرتشت۱۵-شعر معروفی از رهی معیری -کارکرد وبازدهی

حل جدول شماره۴۸۴۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	ن	ت	و	م	ی	م	■	ز	ه	ر	ع	س	ل
۲	ا	ر	و	غ	■	ف	ا	ت	ح	ه	■	ه	ا	ل	و
۳	ر	ژ	ه	■	ک	و	ل	ا	ک	■	م	ن	ف	و	ر
۴	ا	ن	■	م	ر	ض	■	ن	ا	ش	ی	■	ی	ل	ک
۵	گ	■	ا	ن	ی	■	ط	■	ی	و	ن	ی	ت	■	ن
۶	ر	ا	م	ش	■	س	و	ک	ت	■	و	ا	■	ک	د
۷	ا	ی	ر	■	ع	ی	ا	ر	■	س	ت	ر	و	ن	■
۸	ف	ل	و	ت	■	ا	ف	ا	ق	ه	■	ه	ا	ر	پ
۹	■	و	د	ی	ع	ه	■	ک	ر	ی	ه	■	ن	ا	ی
۱۰	ش	ل	■	ه	ر	■	ک	ر	ا	ل	■	ل	ی	د	ر
۱۱	ه	■	ل	و	ف	ل	د	■	ر	■	پ	و	ل	■	و
۱۲	س	ر	ب	■	ا	ی	و	ب	■	ک	ه	ر	■	پ	ز
۱۳	و	ی	ر	ا	ن	■	ر	ی	ح	ا	ن	■	ک	ل	ی
۱۴	ا	م	ی	د	■	س	ت	ا	ی	ش	■	ر	ا	ن	د
۱۵	ر	ا	ز	ب	ق	ا	■	ن	ا	ی	ت	ی	ن	گ	ل

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱								■							
۲						■								■	
۳				■			■					■			
۴			■						■				■		
۵					■					■					
۶		■					■				■				
۷			■			■						■			
۸	■														■
۹				■						■			■		
۱۰					■				■					■	
۱۱						■					■				
۱۲			■				■						■		
۱۳				■					■			■			
۱۴		■								■					
۱۵								■							

کمک به آسیب‌دیدگان جنگ رمضان شرط بخشش قاتل

سرویس حوادث

خانواده‌ای که پسرشان به دست مرد همسایه کشته شده بود به شرط کمک به آسیب‌دیدگان جنگ رمضان از قصاص قاتل گذشتند.

۲۳ آذر سال ۹۵ جوانی ۳۴ ساله در یک درگیری با اصابت ضربه میله‌ای آهنی به قتل رسید. شناسایی هویت قاتل مدت زیادی طول نکشید چرا که جنایت مقابل چشمان همسایه‌ها رخ داده بود و آن‌ها به پلیس گفتند، مرد جوانی به نام محسن که همسایه مقتول بود او را زده و فرار کرده است. تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه ساعاتی بعد وی قدم در کلانتری گذاشت و به افسر نگهبان گفت: «من ۲۴ ساعت قبل ناخواسته یک نفر را کشتم و فرار کردم. اما عذاب وجدان لحظه‌ای مرا رها نکرد و تصمیم گرفتم خودم را تسلیم کنم.»

او در رابطه با قتلی که مرتکب شده بود، گفت: «مقتول همسایه‌مان بود و همیشه زباله‌ها را مقابل خانه ما می‌گذاشت. بارها اعتراض کرده بودم این کار را انجام ندهد چراکه باعث کثیفی و جمع شدن حشرات می‌شد. اما او گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود و در برابر اعتراضات من بازهم کارش را تکرار می‌کرد. روز حادثه به محض اینکه از خانه بیرون آمدم کیوان را دیدم که دوباره داشت کیسه‌های زباله را جلوی ساختمان ما می‌گذاشت. به او اعتراض کردم اما ناراحت شد و با لحن بدی با من صحبت کرد. دعوا بر سر کیسه زباله بالا گرفت و در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و با میله آهنی که کنار باغچه افتاده بود به او ضربه زدم. اگر عصبانیتم را کنترل کرده بودم الان این اتفاق نیفتاده بود.»

درخواست قصاص

با اعتراف متهم و بازسازی صحنه قتل، پرونده تکمیل و به دادگاه کیفری استان ارجاع شد. او زمانی که پای میز محاکمه رفت به دفاع از خود پرداخت اما با توجه به درخواست اولیای‌دم، دادگاه حکم بر اشد مجازات صادر کرد. با تأیید این حکم در دیوان‌عالی کشور پرونده برای اجرای حکم به دادسرا ارجاع شد. با تأیید این حکم و به درخواست اولیای‌دم، محسن یکبار تا چند قدمی چوبه‌دار رفت، اما اولیای‌دم در آخرین لحظات به او مهلت دادند. با پایان مهلت، بار دیگر نام محسن در لیست محکومان به اجرای حکم قرار گرفت. این در حالی بود که با شروع جنگ تحمیلی سوم، خانواده محسن در اقدامی خداپسندانه به کمک آسیب‌دیدگان جنگ می‌رفتند و به همراه امدادگران هلال‌احمر و آتش‌نشانی به آواربرداری و کمک به مردم آسیب‌دیده می‌پرداختند. هر چند آن‌ها نمی‌خواستند کسی از این ماجرا باخبر شود، اما این اقدام خداپسندانه آن‌ها سرنوشت پسر دربندشان را تغییر داد.

شرطی برای بخشش

وقتی خانواده مقتول متوجه این موضوع شدند در آخرین جلسه صلح و سازشی که در دادسرا برگزار شد، ناگهان تغییر عقیده دادند و با یک شرط از تصمیم خود برای اجرای حکم قصاص چشم‌پوشی کردند. آن‌ها شرط گذاشتند که محسن پس از آزادی به شهرستان‌هایی که مورد حمله دشمن قرار گرفته برود و به خانواده‌هایی که خانه‌هایش تخریب شده و نیاز مالی داشتند کمک کند تا بتوانند خانه‌هایشان را بسازند و تعمیر کنند. همچنین به آن‌ها در خرید وسایل خانه نیز کمک کند. با قبول این شرط از سوی مرد زندانی، او که در چند قدمی چوبه‌دار بود، تا چند روز دیگر آزاد خواهد شد تا زندگی جدیدی را آغاز کند./خبر فوری

تشدید برخورد با مفاسد اقتصادی و اخلالگران بازار

سرویس حوادث

معاون قضایی دادستانی کل کشور از تشدید برخورد با مفاسد اقتصادی، اخلالگران بازار و حمایت همزمان از تولیدکنندگان خبر داد.

«علی جمادی»، معاون قضایی دادستانی کل کشور در امر مبارزه با قاچاق و جرایم سازمان‌یافته با اشاره به تأکیدات ریاست قوه قضاییه در جلسات اخیر شورای عالی قضایی اظهار کرد: مبارزه قاطع، عالمانه و بی‌امان با مفاسد اقتصادی با همکاری همه دستگاه‌های نظارتی، اطلاعاتی و امنیتی با جدیت در دستور کار قرار دارد. وی افزود: در این مسیر، شناسایی دقیق مصادیق فساد و مسدودسازی منافذ و گلوگاه‌های آن از طریق به‌کارگیری روش‌های اثرگذار و بازدارنده دنبال می‌شود تا زمینه برای ریشه‌کن‌سازی فساد و برخورد با عناصر سودجو، سوداگر و مفسد فراهم شود. وی ادامه داد: دستگاه قضایی در برخورد با افرادی که با اقدامات سوء خود، بعضاً در راستای مقاصد و اغراض دشمن، در نظام اقتصادی اخلال ایجاد می‌کنند، هیچ‌گونه مماشاتی نخواهد داشت و پیگیری و تعقیب قانونی این افراد با قاطعیت انجام خواهد شد.

جمادی در عین حال تأکید کرد: در کنار برخورد با مفاسد اقتصادی، حمایت از فعالان اقتصادی سالم و بنگاه‌های تولیدی نیز از اولویت‌های مهم دستگاه قضایی است. معاون قضایی دادستانی کل کشور با اشاره به اینکه تأکید مستمر بر حمایت از تولید از سوی دادستان‌های سراسر کشور در راستای کمک به ارتقای معیشت مردم و کاهش فشارهای اقتصادی در دستور کار قرار دارد، گفت: این اقدام به‌ویژه در حمایت از تولیدکنندگان کالاهای اساسی و مورد نیاز عموم مردم با جدیت دنبال می‌شود.

وی همچنین با اشاره به دستور دیگر ریاست قوه قضائیه در خصوص برخورد با اخلالگران اقتصادی گفت: در شرایط فعلی، با افرادی که به هر نحو در چرخه تولید و نظام اقتصادی کشور اخلال ایجاد کرده و با اقداماتی نظیر گرانفروشی، احتکار و ایجاد محدودیت در تأمین مایحتاج عمومی موجب فشار مضاعف بر معیشت مردم می‌شوند، برخورد قاطع صورت خواهد گرفت.جمادی افزود: در این زمینه، همکاری نزدیک با دستگاه‌های ذی‌ربط خارج از قوه قضاییه در دستور کار قرار گرفته و تلاش می‌شود علاوه بر برخورد قانونی، از طریق تذکر، نظارت و اقدامات پیشگیرانه از بروز تخلفات جلوگیری شود. وی در پایان خاطرنشان کرد: در همین راستا به دادستان‌های سراسر کشور دستور داده شده است با تشکیل کارگروه ویژه نظارت بر بازار به ریاست دادستان‌ها و با همکاری و هماهنگی دستگاه‌هایی همچون وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تعزیرات حکومتی و اصناف، موضوع نظارت بر بازار و مقابله با مفاسد اقتصادی، احتکار و گرانفروشی را با جدیت پیگیری کنند و روند اقدامات و نتایج حاصل نیز به‌صورت مستمر به مراجع ذی‌ربط گزارش شود. / مرکز رسانه قوه قضاییه

میز خبر

بنا بر دستور و موافقت رئیس قوه قضاییه انجام شد؛

اختصاص اعتبار برای رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند

سرویس حوادث

رئیس قوه قضاییه با اختصاص مبلغی اعتبار در راستای رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند موافقت کرد.حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در راستای رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند، مبلغی اعتبار به این حوزه تخصیص داد. پیش از این نیز رئیس قوه قضاییه با اشاره به اعمال مرخصی به زندانیانی که حضور آن‌ها در جامعه مضر نیست، اظهار کرد: در جنگ اخیر نیز همانند جنگ ۱۲ روزه، بر دایره اعمال مرخصی در قبال زندانیان واجدشرایط افزوده شد.

وی افزود: محکومانِ به مرخصی‌رفته چنانچه در دوران مرخصی از ارتکاب مجدد جرم پرهیز و احتراز کنند، در مقاطع بعدی، قطعاً مشمول ارفاقات قانونی قرار خواهند گرفت؛ لکن این محکومین چنانچه در ایام مرخصی نیز مرتکب جرم شوند، قطعاً اِعمال ارفاقات در مقاطع آتی، برای آن‌ها سخت و متعسّر خواهد بود. / مرکز رسانه قوه قضاییه

دستگیری باند شکارچیان در هرمزگان

سرویس حوادث

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست هرمزگان از متلاشی شدن یک باند بزرگ شکارچیان غیرمجاز و کشف هفت قبضه سلاح در این استان خبر داد.

به گزارش صبح ساحل، کاظم شریفی در تشریح این خبر، اظهار کرد: در جریان یک عملیات منسجم، ماموران یگان حفاظت محیط زیست استان هرمزگان با همکاری پلیس اطلاعات و امنیت اجتماعی، موفق به شناسایی و متلاشی کردن یک باند بزرگ از شکارچیان غیرمجاز در سطح استان شدند.

وی افزود: در این عملیات مشترک، سه نفر از متخلفان حوزه شکار و صید دستگیر شدند که از آن‌ها هفت قبضه سلاح غیرمجاز کشف و ضبط شده است.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست هرمزگان خاطرنشان کرد: علاوه بر سلاح‌های کشف شده، لاشه دو راس قوچ و میش وحشی نیز از این متخلفان به دست آمده است.

شریفی در پایان با تاکید بر برخورد قاطع با متخلفان عرصه‌های زیست‌محیطی، تصریح کرد: پرونده این افراد جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی ارجاع شده است.

پایش مناطق حفاظت‌شده استان برای جلوگیری از هرگونه تخلف با جدیت ادامه دارد.

توقیف خودروهای حامل سوخت قاچاق در جاسک

سرویس حوادث

دادستان جاسک از توقیف تعدادی خودروی حامل سوخت قاچاق و توقیف و دستگیری متهمین در جاسک و لیردف خبر داد. به گزارش صبح ساحل، «محمدجواد پارسانیا»، دادستان عمومی و انقلاب جاسک در بازدید سرزده از ایست و بازرسی های انتظامی و بسیج، تعدادی خودروی حامل سوخت قاچاق در این گلوگاه ها توقیف و متهمین نیز دستگیر شدند.پارسانیا افزود:متهمین دستگیر شده که بعضی از ایشان با مستندات به دست آمده بصورت حرفه‌ای در امر قاچاق سوخت فعالیت داشتند،با تفهیم اتهام و باصدور قرار تامین مناسب روانه زندان شدند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده به جهت تبدیل سهام بی‌نام به با نام
شرکت گروه لجستیک هونام پارس (سهامی خاص) -نوبت اول

بدین وسیله اعلام میگردد که شرکت گروه لجستیک هونام پارس (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به تبدیل سهام بی‌نام شرکت به سهام با نام اقدام نماید .صاحبان سهام بی نام این شرکت میبایست در مدت حداکثر شش ماه از تاریخ نشر این آگهی جهت انجام مراحل لازم به دفتر شرکت مراجعه نمایند. لازم به ذکر است پس از انقضای مهلت مقرر، سهام بی نامی که تعویض نشده باطل خواهد شد.برای توضیحات بیشتر و ثبت درخواست به دفتر شرکت به نشانی بندرعباس گلشهر جنوبی خیابان ۱۲ فروردین شرقی جنب ساختمان بهشت ۴ پلاک ۲۸ و کد پستی ۷۹۱۶۸۴۶۶۷۵ و شماره تلفن ۳۳۶۳۵۱۰۶ مراجعه نمایید.

از دارندگان سهام بی نام خواسته میشود بر متن این آگهی توجه کنند و در صورت هر گونه مخالفت ،طبق مقررات قانونی اقدام لازم را به عمل آورند.

هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت گروه لجستیک هونام پارس (سهامی خاص)

آگهی مزایـده عمومی

معاونت امور مدارس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس قصد فروش ضایعات آهن آلات اسقاطی از طریق مزایده عمومی را دارد. متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد مزایده تا یک هفته پس از انتشار آگهی مراجعه نمایند.
نشانی: بندرعباس- بلوار امام حسین(ع)- بلوار آیت الله بروجردی -خیابان سما -حوزه معاونت امور مدارس
شماره تماس: ۰۹۱۷۳۶۰۵۳۰۷

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز)،سند کارخانه خودرو سواری سیستم سایپا تیپ ۱۳۱SE رنگ سفید روغنی مدل۱۳۹۵ با شماره موتور M ۱۳۵۷۰۹۸۳۳ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۳۶۰۹۴۰۷ شماره پلاک ۹۴ ایران۵۸۶ ب۹۱ به نام بتول بالاور فرزند حاجی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز)،سند کارخانه و کارت شناسایی خودرو سواری سیستم پژو تیپ PARS XU۷P رنگ سفیدروغنی مدل۱۴۰۲ با شماره موتور۱۲۵K۰۱۶۲۸۹۰ شماره شاسی NAANA۱۵E۶PK۲۵۷۶۸۴شماره پلاک ۹۴ ایران۸۶۵د۳۶ به نام محمدرضا رحیمی فرزند عباس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی شرکت‌های تعاونی سراسر هرمزگان در صبح‌ساحل

تلفن پذیرش: ۱۰۵-۳۲۲۴۱۴۶۲

به مناسبت روز ملی خلیج فارس برگزار شد

رقابت‌های دومینو در بخش انفرادی

محمود رئیسی
دبیر سرویس ورزشی

رئیس کمیته دومینو هیئت ورزش‌های همگانی هرمزگان از درخشش چهره‌های برتر این رشته در مسابقات دومینو روز ملی خلیج فارس در بخش انفرادی خبر داد و گفت: در پایان این رقابت‌ها، «حمید نامی»، «محمود طاهری‌زاده» و «حمید کشوری» عناوین قهرمانی را به خود اختصاص دادند.

«صادق یوسفی‌یگانه» با اشاره به برگزاری مسابقات دومینو روز ملی خلیج فارس اظهار داشت: این رقابت‌ها با حضور قهرمانان برتر دومینو استان به میزبانی مجتمع تجاری «بندرعباس مال» و در محل فودکورت این مجتمع برگزار شد.

وی با بیان این که مسابقات به صورت دوره‌ای و در ۹ دور برگزار شد، گفت: در این دوره از رقابت‌ها «حمید نامی»، «حمید کشوری»، «محمود طاهری‌زاده» و «بردیا دامیار» از چهره‌های شاخص دومینو استان حضور داشتند که در پایان، «حمید نامی» موفق به کسب دو عنوان قهرمانی، «محمود طاهری‌زاد»ه یک عنوان قهرمانی و «حمید کشوری» نیز یک عنوان قهرمانی شد.

یوسفی‌یگانه ادامه داد: «بردیا دامیار» نیز با عملکرد درخشان خود عنوان فنی‌ترین بازیکن این دوره از مسابقات را به دست آورد.

رئیس کمیته دومینو هیئت ورزش‌های همگانی هرمزگان با اشاره به سوابق شرکت‌کنندگان خاطرنشان کرد: «محمود طاهری‌زاده» به عنوان بازیکن سال ۱۴۰۱، «حمید نامی» به عنوان بازیکن سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، «حمید کشوری» به عنوان بازیکن سال ۱۴۰۴ و «بردیا دامیار» به عنوان برترین بازیکن جوان سال ۱۴۰۴ دومینو استان در این رقابت‌ها حضور داشتند.

«آریانا زارع»، این روزها در کف خیابان‌های بندرعباس؛

تکواندوکار ده‌ساله هرمزگانی میدان‌دار انقلاب

محمود رئیسی

«آریانا زارع»، تکواندوکار ده‌ساله هرمزگانی که دو مدال طلای مسابقات جهانی رباتیک را به مقام معظم رهبری تقدیم کرده بود، پس از شهادت رهبر انقلاب، حالا با آرزوی کسب افتخار برای آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای در خیابان‌ها رجزخوانی می‌کند.

«زهرا جامعی»، مسئول کمیته فرهنگی هیئت تکواندو استان هرمزگان از دختری ده‌ساله گفت که این روزها در کف خیابان‌های بندرعباس، با لباس تکواندو و پرچم ایران، فریاد انتقام سرداده و آرزوی تقدیم مدال به سومین علمدار انقلاب را در سر می‌پروراند.

«آریانا زارع»، دانش‌آموز ده‌ساله هرمزگانی و شاگرد صدیقه لطافت، اواخر آذرماه سال ۱۴۰۴ موفق شد دو مدال طلای مسابقات جهانی رباتیک را در رشته‌های «ربات آتش‌نشان» و «ربات نوریاب» به میزبانی عمان کسب کند و هر دو مدال را در سن ۹ سالگی به محضر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای تقدیم کند.

در همان روزها، مسئولان در تلاش بودند تا مسیر دیدار این دختر دهه نودی را با رهبر انقلاب هموار کنند، اما خبر شهادت قائد شهید، قلب آریانا را به درد آورد.

زهرا جامعی در این باره گفت: خبر شهادت رهبر، آریانا را از آرزوی دیدار بازنداشت، بلکه او را مصمم‌تر از قبل کرد. او این بار نه برای موفقیت خودش، بلکه برای خون‌خواهی رهبر شهید به دنبال فریاد و اهتزاز نام و پرچم ایران در رقابت‌هاست.

به گفته این مسئول، آریانا زارع در نقالی و رجزخوانی نیز زبانزد است و در آستانه دریافت کمربند پوم یک تکواندو قرار دارد.

وی در فضای مجازی با لباس تکواندو و پرچم ایران، رجزخوانی‌های پرصلابتی در محکومیت رژیم آمریکایی-صهیونیستی داشته و این روزها در کف خیابان و در موکب هیئت تکواندو استان هرمزگان در میدان صادقیه بندرعباس، با صدای رسا و لباس تکواندو، میدان‌داری می‌کند.

خود آریانا زارع می‌گوید: گرچه به دیدار آقای شهیدم نرسیدم، اما آنقدر تلاش می‌کنم که ان‌شاءالله روزی در رقابت‌های جهانی و بین‌المللی تکواندو، نام و پرچم ایران را بر سکو ببرم و مقام و مدالم را به صالح ایشان، حضرت امام سید مجتبی خامنه‌ای سومین علمدار انقلاب اسلامی، تقدیم کنم.

مجتبی خامنه‌ای در خیابان‌ها رجزخوانی می‌کند.

دیدار مدیرکل ورزش و جوانان هرمزگان با مسئولین وزارت ورزش

محمود رئیسی

مدیرکل ورزش و جوانان هرمزگان با مسئولین وزارت ورزش جوانان دیدار و گفت‌وگو کرد.

«مهدی فولادی»، مدیرکل ورزش وجوانان هرمزگان در دیدار با مسئولین وزارت در خصوص پیگیری امورات اداره کل ورزش و جوانان با «اسبقیان» معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، «چمن گلی» مدیرکل هماهنگی امور استان‌ها، ذی‌حساب، بودجه، مدیرکل هسته گزینش، مدیرکل دفتر استعدادیابی و امور اداری دیدار و جلساتی به صورت جداگانه برگزار کرد.

فولادی در حاشیه این دیدار اظهار داشت: استفاده از منابع انسانی در حوزه ورزش و جوانان برای ارتقای کیفیت تصمیم‌سازی در هرمزگان اثر گذاراست. متولی ورزش و جوانان هرمزگان با تاکید بر اهمیت استفاده از ظرفیت جوانان در مسئولیت‌های مختلف اداره کل بیان داشت: به‌کارگیری جوانان و ورزشکاران در سطوح مدیریتی و اجرایی اداره می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌سازی در استان و کشور کمک کند.

فولادی در جریان این دیدارها گفت: اجرای صحیح سیاست‌های دولت چهاردهم یک ضرورت جدی است و باید زمینه حضور مؤثر و نقش‌آفرینی قشرجوان ورزشکار در عرصه‌های مختلف استان بیش از پیش فراهم شود.

متولی ورزش وجوانان هرمزگان، با اشاره به شرایط حساس کشور تصریح کرد: فعالیت‌های داوطلبانه جوانان در قالب شبکه‌هایی مانند ایران یاران جوان در استان، به ویژه در ایام «جنگ رمضان»، با برپایی برنامه‌های مختلف در سراسر استان نشان‌دهنده ظرفیت بالای این قشر در مدیریت بحران‌ها است.

میـز خبـر

با هدف ترویج نشاط اجتماعی، گسترش فرهنگ ورزش همگانی برگزار شد

مسابقات رده‌های سنی بیلیارد در بندرکنگ

سرویس ورزشی

به مناسبت گرامیداشت دهه کرامت و روز ملی خلیج همیشه فارس، هیئت بولینگ، بیلیارد و بولس شهرستان بندرلنگه مسابقات بیلیارد را با حضور جمعی از ورزشکاران و علاقه‌مندان این رشته برگزار کرد. این رقابت‌ها با هدف ترویج نشاط اجتماعی، گسترش فرهنگ ورزش همگانی و بزرگداشت این مناسبت‌های ارزشمند ملی و مذهبی، در سالن بیلیارد بندرکنگ برگزار شد و شرکت‌کنندگان در رده‌های مختلف سنی به رقابت پرداختند. در پایان رقابت‌ها، نفرات برتر طی مراسمی با حضور «رها صابری» سرپرست اداره ورزش و جوانان و «احمدی» رئیس هیئت بیلیارد شهرستان بندرلنگه مورد تقدیر قرار گرفتند و از تلاش تمامی ورزشکاران و عوامل اجرایی قدردانی شد. رئیس هیئت بیلیارد شهرستان بندرلنگه ابراز امیدواری کرد که برگزاری چنین برنامه‌هایی نقش مؤثری در تقویت استعدادهای ورزشی و شناسایی قهرمانان آینده این رشته داشته باشد. فضای رقابتی سالم، شور و هیجان ورزشکاران و استقبال خوب مخاطبان از نکات برجسته این رویداد بود.

به یاد شهدای مظلوم مدرسه شجره طیبه

جمعی از اهالی فوتبال و فوتسال کشور پا به توپ شدند

سرویس ورزشی

جمعی از اهالی فوتبال و فوتسال کشور به یاد شهدای مظلوم مدرسه شجره طیبه میناب، در دیداری دوستانه در مشهد گرد هم آمدند تا ضمن گرامیداشت یاد این دانش‌آموزان، به آزادی زندانیان نیازمند کمک کنند.

هم‌زمان با ایام میلاد امام رضا (ع)، جمعی از پیشکسوتان و ستارگان فوتبال و فوتسال ایران در مشهد مقدس گرد هم آمدند تا در دیداری نمادین و خیرخواهانه، یاد و خاطره شهدای مدرسه شجره طیبه میناب را زنده نگه دارند.

این رویداد که به همت آکادمی «خداداد عزیزی» و با هماهنگی اداره زندان‌های مشهد برگزار شد، میزبان «خداداد عزیزی»، نوحید شمسایی» (سرمربی تیم ملی فوتسال) و «حسین طیبی» (کاپیتان تیم ملی فوتسال ایران) بود.

این چهره‌های مطرح ورزش کشور در جمع منتخب کارکنان و زندانیان مشهد به میدان رفتند و در پایان مسابقه، مبلغی برای آزادی چند زندانی جرائم غیرعمد اختصاص یافت. خداداد عزیزی با گرامیداشت یاد شهدای جنگ رمضان به‌ویژه دانش‌آموزان میناب، هدف از برگزاری این برنامه را ایجاد نشاط و امید در میان زندانیان و کمک به آزادی آنان عنوان کرد و گفت: در شرایط اقتصادی سخت، متاسفانه برخی افراد به‌خاطر مبالغ بسیار ناچیز در زندان هستند.

با همراهی وحید شمسایی و حسین طیبی تلاش کردیم گامی هرچند کوچک برای خوشحالی این افراد برداریم. ضمن این که یاد و خاطره دانش‌آموزان میناب تا ابد زنده خواهد ماند و هرگز نمی‌توانیم از یاد ببریم آنچه بر آن‌ها گذشت.

وحید شمسایی نیز حضور در این برنامه را وظیفه خود دانست و گفت: این کمترین کاری است که می‌توانستم انجام دهم. برای زیارت به مشهد آمده بودم و با کمال میل دعوت خداداد عزیزی را که همواره در امور خیر پیشقدم است، پذیرفتم.

او با اشاره به حادثه میناب، آن را یکی از تلخ‌ترین اتفاقات دانست و تاکید کرد: اجازه نخواهیم داد یاد این کودکان و جنایت‌های دشمن صهیونیستی از ذهن‌ها پاک شود. حسین طیبی نیز در واکنش به این دیدار گفت: مردم ایران همواره نشان داده‌اند که در سخت‌ترین شرایط کنار هم می‌ایستند. امیدواریم با همدلی و کمک به یکدیگر، بتوانیم گام‌های مؤثری برای ساختن آینده‌ای بهتر برداریم.

آگهی شرکت‌های تعاونی سراسر هرمزگان در صبح ساحل
تلفن پذیرش: ۱۰۵-۳۲۲۴۱۴۶۲

بررسی مبانی حقوقی بازپرداخت کامل بهای بلیت پروازها به‌دلیل قوه قهریه

حق مسافر بر گردن ایرلاین‌ها

روشنک زینی‌وند
خبرنگار

در پی تحولات اخیر و لغو گسترده پروازهای داخلی و خارجی، موضوع «استرداد وجه بلیت» به یکی از چالش‌های اصلی میان مسافران، دفاتر خدمات مسافرتی و شرکت‌های هواپیمایی تبدیل شده است. ورود سازمان بازرسی کل کشور به این پرونده و هشدار به سازمان هواپیمایی کشوری، نشان‌دهنده ابعاد گسترده تضییع حقوق شهروندانی است که به دلیل شرایط قهری و خارج از اراده خود، از سفر بازمانده‌اند.

چارچوب قانونی

بر اساس «دستورالعمل حقوق مسافر در پروازهای داخلی» مصوب شورای عالی هواپیمایی کشوری، نحوه برخورد با وضعیت لغو پرواز در چارچوبی مشخص و ناظر به دو حالت کلی تعیین شده است. این تقسیم‌بندی، مبنای حقوقی رفتار شرکت‌های هواپیمایی در مواجهه با تعهدات قراردادی خود و نیز حقوق مسافران در شرایط عادی و اضطراری محسوب می‌شود.

نخست، در حالتی که لغو پرواز ناشی از تصمیم یا اقدام شرکت هواپیمایی باشد، اصل بر مسئولیت قراردادی ایرلاین است. در این شرایط، شرکت هواپیمایی به عنوان متعهدِ انجام خدمت حمل‌ونقل هوایی، به دلیل عدم اجرای تعهد، مکلف است تمام وجه بلیت را بدون هرگونه کسر مسترد کند. علاوه بر این، بسته به نوع قصور یا آثار زیان‌بار ناشی از لغو پرواز، امکان مطالبه خسارت از سوی مسافر نیز وجود دارد؛ چرا که عدم اجرای تعهد در این حالت مستند به اراده یا کوتاهی شرکت هواپیمایی است و بار مسئولیت بر عهده او باقی می‌ماند. در مقابل، دسته دوم مربوط به مواردی است که لغو پرواز در نتیجه شرایط اضطراری و مصادیق قوه قهریه رخ می‌دهد. مواردی نظیر جنگ، شرایط جوی نامساعد، یا ملاحظات امنیتی که امکان انجام پرواز را از بین می‌برد، در حقوق حمل‌ونقل هوایی در زمره حوادث غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب قرار می‌گیرند. در این حالت، اگرچه شرکت هواپیمایی از پرداخت «جریمه تأخیر» معاف است زیرا حادثه برخلاف اراده او رخ داده اما این معافیت به هیچ‌وجه به معنای مجاز بودن شرکت در کسر مبلغ از اصل بلیت نیست. از منظر حقوق قراردادها، هنگامی که اجرای تعهد به دلیل قوه قهریه ناممکن شود، قرارداد حمل‌ونقل منفسخ محسوب شده و آثار آن زائل می‌شود. در نتیجه، طرفین باید آنچه را دریافت کرده‌اند بازگردانند. بدین ترتیب، مبالغ پرداختی مسافر باید به طور کامل و بدون هرگونه کسری مسترد شود.

ماهیت حقوقی بلیت هواپیما به عنوان قرارداد حمل‌ونقل

در نظام حقوقی حمل‌ونقل هوایی، خرید بلیت هواپیما نوعی قرارداد حمل‌ونقل میان مسافر و شرکت هواپیمایی محسوب می‌شود. بر اساس این قرارداد، مسافر در ازای پرداخت بهای بلیت، حق دریافت خدمتی مشخص یعنی جابه‌جایی از مبدأ به مقصد در زمان تعیین‌شده را به دست می‌آورد.

بنابراین، اگر به هر دلیلی این خدمت ارائه نشود، رابطه قراردادی میان طرفین دچار اختلال شده و لازم است وضعیت مالی و حقوقی طرفین به حالت پیش از قرارداد بازگردانده شود. به همین دلیل در مقررات سازمان هواپیمایی کشوری، اصل بر آن است که در صورت لغو پرواز، وجه پرداختی مسافر به طور کامل مسترد شود.

عدم اجرای تعهد توسط ایرلاین در صورت لغو پرواز

در حالتی که لغو پرواز مستقیماً از سوی شرکت هواپیمایی رخ می‌دهد، موضوع از منظر حقوق قراردادها به عنوان عدم اجرای تعهد توسط متعهد (ایرلاین) قابل بررسی است. تعهد اصلی شرکت هواپیمایی، انجام پرواز در زمان و مسیر تعیین‌شده است و اگر این تعهد عملی نشود، مسافر عملاً خدمتی دریافت نکرده است. در چنین شرایطی، کسر هرگونه مبلغ از بهای بلیت با منطق قرارداد سازگار نیست، زیرا پرداخت وجه در قبال خدمتی صورت گرفته که تحقق نیافته است. از همین رو مقررات هوانوردی کشور شرکت‌های هواپیمایی را موظف می‌کند که در صورت لغو پرواز، علاوه بر فراهم کردن امکان انتقال مسافر با پرواز جایگزین، در صورت درخواست مسافر، کل مبلغ بلیت را بدون کسر جریمه بازگردانند.

لغو پرواز به دلیل قوه قهریه و آثار حقوقی آن

وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که لغو پرواز ناشی از شرایطی خارج از اراده طرفین باشد؛ شرایطی که در حقوق از آن با عنوان «قوه قهریه» یا «فورس ماژور» یاد می‌شود. مواردی مانند جنگ، بسته شدن فضای هوایی، شرایط شدید امنیتی یا برخی بحران‌های طبیعی می‌توانند اجرای قرارداد حمل‌ونقل را غیرممکن کنند. در چنین شرایطی، نه شرکت هواپیمایی مقصر محسوب می‌شود و نه مسافر. با این حال، از منظر حقوقی وقتی اجرای موضوع قرارداد امکان‌پذیر نباشد، قرارداد عملاً منفسخ می‌شود و آثار آن از بین می‌رود. نتیجه طبیعی این وضعیت آن است که هر یک از طرفین باید آنچه دریافت کرده‌اند را بازگردانند؛ یعنی مسافر از تعهد سفر معاف می‌شود و شرکت هواپیمایی نیز باید وجه دریافت‌شده را مسترد کند.

در این چارچوب، باید میان «خسارت» و «اصل مبلغ بلیت» تفاوت قائل شد. در شرایط عادی اگر پرواز با تأخیر یا لغو ناشی از قصور شرکت هواپیمایی باشد، ممکن است علاوه بر استرداد وجه، خسارت‌هایی نیز به مسافر تعلق گیرد. اما در شرایط قوه قهریه، شرکت هواپیمایی معمولاً از پرداخت خسارت معاف است، زیرا وقوع حادثه خارج از اراده آن بوده است. با این حال، این معافیت به معنای امکان نگه‌داشتن بهای بلیت نیست؛ زیرا مبلغ بلیت در واقع بهای خدمتی است که ارائه نشده است. از همین رو مقررات حقوق مسافر تأکید می‌کند که حتی در شرایط اضطراری نیز اصل مبلغ باید به طور کامل به مسافر بازگردانده شود.

نقش حقوق مصرف‌کننده در صنعت هوانوردی

از منظر حقوق مصرف‌کننده نیز این موضوع اهمیت زیادی دارد. مسافران به عنوان استفاده‌کنندگان از خدمات حمل‌ونقل هوایی، در موقعیتی قرار دارند که امکان مدیریت شرایط بحران یا تصمیمات حاکمیتی مانند بسته شدن فضای پروازی را ندارند. بنابراین انتقال هزینه‌های ناشی از این شرایط به مسافران، با اصول حمایت از مصرف‌کننده سازگار نیست. به همین دلیل قانون‌گذار و نهادهای نظارتی تلاش می‌کنند با الزام ایرلاین‌ها به استرداد کامل وجه، از تضییع حقوق مالی شهروندان جلوگیری کنند. در مجموع، مبنای الزام به استرداد کامل وجه بلیت در پروازهای لغوشده را باید در سه اصل حقوقی جست‌وجو کرد: نخست، اصل تعهد قراردادی که ارائه خدمت را شرط دریافت وجه می‌داند؛ دوم، اصل انفساخ قرارداد در شرایط قوه قهریه که بازگشت طرفین به وضعیت پیشین را ضروری می‌سازد؛ و سوم، اصل حمایت از حقوق مصرف‌کننده که مانع انتقال هزینه‌های بحران به مسافران می‌شود. این اصول در کنار مقررات سازمان هواپیمایی کشوری، چارچوبی را شکل می‌دهند که بر اساس آن، استرداد کامل بهای بلیت در صورت لغو پرواز یک الزام قانونی و نه یک امتیاز اختیاری برای شرکت‌های هواپیمایی محسوب می‌شود.

جایگاه ویژه مسافر در ساختار حقوقی صنعت هوانوردی

صنعت هوانوردی از جمله حوزه‌هایی است که مستقیماً با حقوق مصرف‌کننده در تماس است؛ زیرا خدمات آن از نوع حساس، ضروری و پرریسک است. در این صنعت، مصرف‌کننده نه تنها پرداخت‌کننده وجه بلیت است، بلکه در واقع طرف قرارداد حمل‌ونقل محسوب می‌شود که انتظار دارد طبق شرایط اعلام‌شده، سفری امن، به‌موقع و منطبق با تعهدات انجام‌شده

> **اصول حقوقی در کنار مقررات سازمان هواپیمایی کشوری، چارچوبی را شکل می‌دهند که بر اساس آن، استرداد کامل بهای بلیت در صورت لغو پرواز یک الزام قانونی و نه یک امتیاز اختیاری برای شرکت‌های هواپیمایی محسوب می‌شود**

دریافت کند. به همین دلیل، مفهوم "حقوق مصرف‌کننده" در هوانوردی، فراتر از رضایت مشتری است؛ اساساً درباره حفظ حقوق مالی، اطلاعاتی و ایمنی اوست.در صنعت هوانوردی، مسافر صرفاً یک مشتری عادی نیست، بلکه مصرف‌کننده خدمتی حیاتی و حساس است که امنیت، زمان و منابع مالی خود را در اختیار شرکت ارائه‌دهنده قرار می‌دهد. به همین دلیل، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مقررات ویژه‌ای برای حمایت از حقوق مسافران در نظر گرفته شده است تا از سوءاستفاده احتمالی یا عدم انجام تعهدات توسط شرکت‌های هواپیمایی جلوگیری شود. این مقررات در واقع تلاشی برای ایجاد تعادل میان قدرت اقتصادی شرکت‌های هواپیمایی و حقوق فردی مسافران است.

حق دریافت خدمت مطابق قرارداد و آثار عدم اجرای تعهد

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حقوق مصرف‌کننده در این صنعت، حق دریافت خدمت مطابق قرارداد است. هنگامی که مسافر بلیت خریداری می‌کند، قراردادی میان او و شرکت هواپیمایی شکل می‌گیرد که بر اساس آن شرکت متعهد می‌شود مسافر را در زمان و مسیر مشخص جابه‌جا کند. در صورتی که این خدمت به هر دلیل انجام نشود مانند لغو پرواز حقوق مصرف‌کننده ایجاب می‌کند که خسارت مالی او جبران شود و مبلغ پرداخت‌شده بدون کسر بازگردانده شود. این اصل نه تنها از قواعد عمومی قراردادها ناشی می‌شود، بلکه با اصول حمایت از مصرف‌کننده نیز هماهنگ است؛ زیرا دریافت وجه بدون ارائه خدمت، با منطق عدالت قراردادی سازگار نیست.

همچنین وجود سازوکارهای نظارتی و رسیدگی به شکایات از عناصر اساسی حمایت از حقوق مصرف‌کننده محسوب می‌شود. نهادهایی مانند سازمان هواپیمایی کشوری و سایر مراجع نظارتی وظیفه دارند بر اجرای مقررات نظارت کنند و در صورت بروز تخلف، امکان پیگیری حقوقی برای مسافران فراهم باشد. چنین سازوکاری سبب می‌شود شرکت‌های هواپیمایی در قبال تعهدات خود پاسخگو باشند و استانداردهای خدماتی ارتقا یابد.در مجموع، توجه به حقوق مصرف‌کننده در صنعت هوانوردی تنها به معنای حل اختلاف میان مسافر و شرکت هواپیمایی نیست، بلکه بخشی از حکمرانی مطلوب در حوزه حمل‌ونقل هوایی به شمار می‌رود. هرچه چارچوب‌های حمایتی از مسافران روشن‌تر و اجرایی‌تر باشند، اعتماد عمومی به صنعت هوانوردی افزایش می‌یابد و این صنعت می‌تواند با ثبات و مسئولیت‌پذیری بیشتری به فعالیت خود ادامه دهد.

ورود سازمان بازرسی؛ پایان بهانه‌تراشی ایرلاین‌ها

در شرایطی که به دلیل وضعیت اضطراری کشور، پروازهای داخلی و خارجی لغو شده است، انتظار می‌رود سازوکارهای اجرایی صنعت هوانوردی به گونه‌ای عمل کنند که حقوق مالی مسافران بدون تأخیر و به طور کامل بازگردانده شود. با این حال گزارش‌های مردمی و بررسی‌های اولیه نشان داده است که در برخی موارد، شرکت‌های هواپیمایی یا دفاتر خدمات مسافرتی از استرداد کامل وجه خودداری کرده‌اند یا فرآیند بازپرداخت را با تأخیر و ابهام همراه ساخته‌اند. همین مسئله زمینه ورود نهادهای نظارتی را فراهم کرده است.

در این میان، سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یکی از نهادهای مسئول در نظارت بر حسن اجرای قوانین، تلاش کرده است با مطالبه گزارش دقیق از سازمان هواپیمایی کشوری، ابعاد واقعی مسئله را روشن کند. درخواست ارائه آمار تفکیکی شامل تعداد بلیت‌های لغوشده، میزان وجوه بازگردانده‌شده و همچنین دلایل احتمالی عدم استرداد برخی مبالغ، نشان می‌دهد که هدف این اقدام صرفاً واکنش به یک خبر یا شکایت محدود نیست، بلکه ایجاد شفافیت در عملکرد شرکت‌های هواپیمایی و کارگزاران فروش بلیت است. ارائه چنین گزارشی می‌تواند امکان ارزیابی دقیق عملکرد هر شرکت را فراهم کند و مشخص سازد که آیا تخلفی در روند بازپرداخت رخ داده است یا خیر.نکته مهم دیگر در این مداخله نظارتی، تأکید بر این اصل است که شرایط اضطراری یا بحران‌های ملی نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن حقوق مالی شهروندان شود. اگرچه وقوع جنگ یا محدودیت‌های امنیتی ممکن است موجب اختلال در فعالیت‌های حمل‌ونقل هوایی شود، اما این شرایط به معنای تغییر ماهیت تعهدات مالی نسبت به مسافران نیست. بنابراین تأکید سازمان بازرسی بر استرداد کامل وجوه و ارائه گزارش شفاف، در واقع تلاشی برای حفظ تعادل میان مدیریت شرایط بحرانی و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان خدمات هوایی است.

آگاهی قضایی

جرم فروش مال غیر در نظام حقوقی ایران

روشنک زینی‌وند

فروش مال غیر در حقوق کیفری ایران به‌عنوان یکی از مصادیق بارز «انتقال مال غیر» شناخته می‌شود و ماهیت آن، نقض هم‌زمان چند ارزش بنیادین است: احترام به مالکیت خصوصی، اعتماد عمومی در معاملات و امنیت روابط اقتصادی. در این جرم، فردی بدون آنکه مالک مال باشد یا از سوی مالک اختیار و نمایندگی داشته باشد، مال متعلق به دیگری را به شخص ثالث منتقل می‌کند و در عین حال خود را مالک یا صاحب اختیار معرفی می‌نماید تا از این طریق نفعی برای خود یا دیگری تحصیل و زیانی برای مالک ایجاد کند.

نکته مهم در تحلیل این جرم آن است که «فروش مال غیر» منحصر به عقد بیع به معنای مصطلح فقهی و حقوقی نیست. آنچه اهمیت دارد، «انتقال نامشروع حق عینی یا منفعت» است، نه قالب ظاهری عقد. به عبارت دیگر، هر عقد تملیکی که نتیجه آن انتقال عین، منفعت، یا هر نوع حق مالی متعلق به دیگری به شخص ثالث باشد، می‌تواند بستر تحقق این جرم قرار گیرد؛ خواه این عقد بیع باشد، خواه اجاره، صلح، هبه، معاوضه یا قراردادهای مشابه. بنابراین، قانون‌گذار و رویه قضایی بیشتر به «اثر حقوقی» قرارداد می‌نگرند تا عنوان آن؛ معیار اصلی، خروج مال یا منفعت از دارایی مالک واقعی و ورود آن به دارایی شخص ثالث بر مبنای معرفی خلاف واقعِ انتقال‌دهنده است. عنصر محوری این جرم «تظاهر به مالکیت یا صاحب‌اختیاری» است. مرتکب با ارائه ظاهری فریبنده مانند ارائه اسناد، اظهارات شفاهی یا ایجاد اوضاع واحوالی که سبب اعتماد طرف مقابل می‌شود این تصور را به طرف معامله القا می‌کند که حق انتقال مال را دارد. همین رفتار فریبکارانه، وجه تمایز انتقال مال غیر به عنوان جرم از تخلفات صرفاً مدنی یا اختلافات قراردادی ساده است. در واقع، جنبه کیفری زمانی پررنگ می‌شود که سوءنیت و قصد تقلب (قصد بردن مال غیر) در بستر یک عملیات متقلبانه محقق گردد.

شرایط و ارکان تحقق جرم فروش مال غیر

عنصر قانونی جرم فروش مال غیر: قانون‌گذار به‌طور مشخص در دو مقره‌ی مهم، یعنی ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر و ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک، عملِ انتقال اموال متعلق به دیگری را جرم‌انگاری کرده است. با توجه به ماهیت فریبکارانه و شباهت رفتاری مرتکب با عناصر متقلبانه‌ی کلاهبرداری، این عمل در حکم کلاهبرداری تلقی می‌شود و همان مجازات نیز بر آن بار می‌گردد. به موجب ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، شخصی که اقدام به انتقال مال غیر می‌کند، علاوه بر اینکه باید مال را به صاحب اصلی بازگرداند، با مجازات حبس بین یک تا هفت سال و نیز پرداخت جزای نقدی معادل ارزش مالی که به‌طور غیرقانونی منتقل کرده مواجه خواهد شد. رویکرد قانون‌گذار در این زمینه نشان‌دهنده اهمیت حفاظت از مالکیت خصوصی و ضرورت برخورد قاطع با رفتارهایی است که امنیت اقتصادی و اعتماد عمومی در معاملات را تهدید می‌کند.

عنصر مادی جرم فروش مال غیر:در عنصر مادی این جرم، رفتار فیزیکی مرتکب محور اصلی است. مطابق ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، هرگونه انتقال مال متعلق به دیگری، چه در قالب انتقال عین و چه انتقال منفعت، در صورتی‌که بدون مجوز قانونی انجام شود، رفتار مجرمانه محسوب می‌گردد. این انتقال می‌تواند در ساختارهای مختلف حقوقی از جمله بیع، اجاره، صلح، هبه، معاوضه و دیگر عقود تملیکی تحقق یابد. بنابراین «فروش» تنها یکی از مصادیق این عمل مجرمانه است و ماهیت جرم به «انتقال نامشروع» گره خورده است، نه نوع قرارداد. از سوی دیگر، در اموال مشاع نیز چنانچه شریک، بیش از حدود سهم خود یا بدون رضایت دیگر شرکا، مال مشترک را به دیگری منتقل کند، عمل او می‌تواند مصداق فروش مال غیر تلقی شود؛ زیرا علی‌رغم مالکیت مشاعی، تجاوز به حق سایر شرکا هم‌چنان انتقال مال متعلق به غیر محسوب می‌شود. عنصر معنوی جرم فروش مال غیر این جرم در زمره جرایم عمدی قرار می‌گیرد و تحقق آن نیازمند وجود سوءنیت است. مرتکب باید از این واقعیت آگاه باشد که مال یا منفعت مورد انتقال، متعلق به او نیست و هیچ‌گونه اختیار یا نمایندگی قانونی برای واگذاری آن ندارد، اما با وجود این آگاهی، عمداً اقدام به انتقال کند تا منفعتی برای خود یا دیگری به دست آورد و در همان حال، به مالک واقعی زیان برساند. در مقابل، چنانچه شخص در حین انتقال مال، به‌طور موجه و قابل اثبات تصور کند که مال متعلق به اوست یا گمان داشته باشد که از سوی مالک اختیار انتقال دارد، عنصر معنوی جرم مخدوش می‌شود و مسئولیت کیفری از او رفع خواهد شد. بنابراین، احراز سوءنیت نقش تعیین‌کننده‌ای در تمایز این جرم از اختلافات صرفاً مدنی دارد.

مجازات فروش مال غیر

در قانون جدید، جرم فروش مال غیر همچنان از مصادیق بارز جرایم علیه اموال و مالکیت محسوب می‌شود و قانون‌گذار با هدف حفظ امنیت اقتصادی و اعتماد عمومی در معاملات، برای آن مجازات سنگینی در نظر گرفته است. مطابق مقررات موجود، از جمله ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و نیز بر اساس اصول مندرج در قانون مجازات انتقال مال غیر، مرتکب علاوه بر الزام به بازگرداندن مال به مالک اصلی (رد مال)، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل ارزش مال منتقل‌شده محکوم می‌شود.

زیر ذره‌بین قانون

صلح یا شکایت در مدیریت ساختمان

حسام‌الدین ترکمن
رییس کمیسیون تحقیق و توسعه
کانون وکلای دادگستری استان هرمزگان

با توسعه شهرنشینی و افزایش تراکم جمعیت در مجتمع‌های مسکونی، روابط حقوقی ناشی از آپارتمان‌نشینی به یکی از حوزه‌های مهم و پرتکرار در نظام حقوقی تبدیل شده است. دعاوی مرتبط با این حوزه، عمدتاً در چارچوب «قانون تملک آپارتمان‌ها» و آیین‌نامه اجرایی آن قابل تحلیل و بررسی است.

در این میان، بخش قابل توجهی از اختلافات، ناشی از عدم رعایت حقوق ارتفاقی و مشاعی مالکان و همچنین تخطی از تعهدات قانونی مقرر در قبال سایر ساکنین است. برای مثال، دعاوی مربوط به امتناع از پرداخت هزینه‌های مشترک (شارژ)، تصرف یا استفاده غیرمجاز از قسمت‌های مشترک، ایجاد مزاحمت (اعم از مادی و معنوی)، و انجام تغییرات اساسی در ملک بدون اخذ مجوزهای قانونی، از شایع‌ترین مصادیق اختلافات محسوب می‌شوند.از منظر حقوقی، هزینه‌های مشترک ساختمان جنبه الزامی داشته و مطابق مقررات، در صورت استنکاف مالک یا استفاده‌کننده، مدیر یا هیئت‌مدیره ساختمان می‌تواند از طریق مراجع صالح قضایی یا صدور اجرائیه نسبت به وصول مطالبات اقدام نماید. همچنین، هرگونه تصرف در مشاعات بدون اذن سایر مالکین، می‌تواند مصداق «تصرف عدوانی» یا «مزاحمت» تلقی شده و قابلیت پیگیری حقوقی و حتی کیفری داشته باشد.

نکته قابل توجه دیگر، مسئولیت مدیر یا مدیران ساختمان است که به موجب قانون، دارای سمت نمایندگی از سوی مالکان بوده و مکلف به اداره امور مشترک، حفظ و نگهداری از مشاعات، و اجرای تصمیمات مجمع عمومی می‌باشند. قصور در انجام این وظایف، می‌تواند منجر به مسئولیت مدنی ایشان گردد.

در عین حال، باید تأکید کرد که اصل حاکم بر روابط ساکنین، «لزوم رعایت حقوق متقابل» و «منع اضرار به غیر» است که ریشه در قواعد فقهی و اصول کلی حقوقی دارد. از این رو، هرگونه استفاده از ملک اختصاصی نیز باید در حدود متعارف و بدون ایجاد ضرر برای سایرین صورت گیرد.

اگرچه ظرفیت‌های قانونی مناسبی برای حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده است، اما توسل به راهکارهای جایگزین حل اختلاف، از جمله سازش، میانجی‌گری و تصمیم‌گیری در مجامع عمومی ساختمان، می‌تواند از اطاله دادرسی و افزایش حجم پرونده‌های قضایی جلوگیری نماید.

صبح ساحل

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی | سال ۴۱ ■ شماره ۵۶۶۱
رتبه اول در بین روزنامه‌های کشور با ضریب کیفی ۸۴/۲

بنیانگذار: شادروان قاسم کرمی

• صاحب امتیاز
شرکت تعاونی صبح ساحل
• مدیر مسوول
الهام کرمی
• قائم‌مقام مدیرمسوول و سردبیر
مهراب رشیدی
• دبیر تحریریه
فاطمه محمودآبادی
• دبیر سرویس ورزش
محمود رئیسی
• دبیر سرویس حوادث
آنا رام
• دبیر سرویس آنلاین
سامیه طهورنیان
• چاپ مهدوی کرمان
• تحریریه
۰۷۶۳۲۲۲۹۵۸۵ (داخلی ۱۲۴)
• آگهی‌ها
۳۲۲۴۶۷۵۱ - ۰۷۶۳۲۲۴۱۴۶۲ (داخلی ۱۰۵)
• فاکس شبانه‌روزی
۰۷۶۳۲۲۴۱۴۶۳
• امور مشترکین
۰۷۶۳۲۲۳۳۷۲۶ (داخلی ۱۰۱)
• دفتر مرکزی
بندرعباس، خیابان امام خمینی، حدفاصل شهربانی و اتوتاج، جنب بانک رفاه، ساختمان صبح ساحل
• پایگاه خبری صبح‌ساحل نیوز
www.sobhesahel.ir

حماس: درخواست خلع سلاح بهانه اسرائیل برای فرار از تعهداتش است

یکی از رهبران حماس تأکید کرد که درخواست خلع سلاح، بهانه رژیم صهیونیستی برای فرار از تعهداتش است.

«محمد نزال» عضو دفتر سیاسی حماس گفت هدف رژیم صهیونیستی خلع سلاح همه گروه‌های مقاومت بدون استثنا است؛ این شرط توسط بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، به عنوان بهانه‌ای برای فرار از انجام تعهدات در مرحله اول توافق مورد استفاده قرار می‌گیرد. محمد نزال به العربی الجدید گفت: نتانیاهو با ادامه تشدید تنش با سرعت کم، هم‌زمان با گسترش تدریجی کنترل بر غزه، سعی در خرید زمان و حفظ وضع موجود دارد. اشغالگران نمی‌خواهند فلسطینی‌ها به زندگی عادی بازگردند و گزینه استراتژیک آن‌ها برای مجبور کردن فلسطینی‌ها به مهاجرت همچنان پابرجاست. این رهبر حماس در پاسخ به درخواست‌ها برای تحویل سلاح، به تجربیات گذشته اشاره کرد که در آن حماس و سایر گروه‌های مقاومت امتیازاتی از جمله آزادی زندانیان زنده و مرده را به طور هم‌زمان اعطا کردند اما اشغالگران به تجاوز خود ادامه دادند.

او تهدیدهای نتانیاهو برای ازسرگیری جنگ را «باج‌گیری بی‌ارزش» توصیف کرد.

سید محمد شفیعی
دانش‌آموخته روابط بین‌الملل

از انسداد فیزیکی تا معماری قدرت شبکه‌ای

پارادوکس هرمز

در جهانی که به جریان وابسته است، بیشترین قدرت در توانایی شکل‌دهی به جریان‌ها و نه در متوقف کردن آن‌ها نهفته است

تنگه هرمز دیگر صرفاً یک مفهوم در ادبیات ژئوپلیتیک نیست، به یک واقعیت در تحلیل‌های سنتی، هرمز معمولاً در قالب یک دوگانه فهم می‌شد، یا یک گذرگاه بین‌المللی تحت قواعد حقوقی، یا بخشی از قلمرو حاکمیتی ایران، در حالت اول، بر اساس رژیم حقوقی مستقر در کنوانسیون حقوق دریاها، تنگه‌هایی مانند هرمز مشمول اصل «عبور ترانزیتی» هستند، یعنی حتی دولت‌های ساحلی نیز نمی‌توانند عبور کشتی‌ها را به‌طور کامل متوقف کنند. این چارچوب، بازتاب نیاز ساختاری اقتصاد جهانی به جریان آزاد انرژی و تجارت است. در حالت دوم، اگر هرمز به‌عنوان بخشی از قلمرو حاکمیتی تلقی شود، منطق به سمت کنترل، انحصار و حتی انسداد به ویژه در شرایط جنگی حرکت می‌کند. اما واقعیت ۲۰۲۶ این دوگانه را فرو می‌ریزد. از یک‌سو، رژیم حقوقی عبور آزاد عملاً تضعیف شده و امنیت مسیر به‌شدت کاهش یافته است. از سوی دیگر، ایران نیز با وجود برتری جغرافیایی، کنترل مطلق کلاسیک بر این تنگه ندارد، زیرا حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری نوعی محاصره متقابل، این فضا را به یک میدان رقابتی تبدیل کرده است. در نتیجه، هرمز دیگر نه یک گذرگاه صرف است و نه یک قلمرو کامل، بلکه به «میدانی برای اعمال قدرت از طریق تنظیم» بدل شده است.

در نگاه نخست، ممکن است تصور شود که ایران از ابزار کلاسیک «انسداد» استفاده کرده است، ابزاری که در تاریخ نیز سابقه دارد، از جمله در جنگ نفتکش‌ها در دهه ۱۹۸۰. در آن دوره، هدف اصلی مختل کردن جریان انرژی و افزایش هزینه برای طرف مقابل بود. اما تفاوت مهم وضعیت کنونی در این است که انسداد کامل نه‌تنها پایدار نیست، بلکه حتی مطلوب نیز نیست. داده‌های میدانی نشان می‌دهد که عبور به‌طور کامل متوقف نشده، بلکه به‌شدت محدود، گزینشی و پرریسک شده است. برخی کشتی‌ها اجازه عبور پیدا می‌کنند، برخی دیگر با تهدید مواجه می‌شوند، و کل مسیر در سطحی از عدم‌قطعیت قرار دارد. این تغییر، نشانه یک تحول عمیق‌تر است: گذار از «قدرت انسدادی» به «قدرت تنظیمی». در این چارچوب، قدرت نه در بستن کامل تنگه، بلکه در توانایی کنترل نحوه عبور از آن تعریف می‌شود. به بیان دیگر، بازیگر مسلط کسی نیست که جریان را متوقف کند، بلکه کسی است که بتواند تعیین کند این جریان با چه هزینه‌ای، در چه سطحی از ریسک، و تحت چه شرایطی ادامه یابد. در اینجا تنگه هرمز از یک مسیر فیزیکی به یک «بازار ریسک» تبدیل می‌شود. آنچه اهمیت پیدا می‌کند، نه صرفاً امکان عبور، بلکه هزینه و امنیت آن است. نرخ بیمه کشتی‌ها افزایش می‌یابد،

هرمز می‌تواند به یک «پلتفرم تنظیم جریان» تبدیل شود. عبور در آن مشروط است، امنیت نسبی برقرار است و هزینه‌ها بر اساس شرایط تغییر می‌کنند. این مدل، نوعی تعادل میان انسداد و آزادی ایجاد می‌کند

شرکت‌های حمل‌ونقل در تصمیم‌گیری دچار تردید می‌شوند و قیمت انرژی تحت تأثیر ادراک ریسک قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، کنترل واقعی نه در سطح جغرافیا، بلکه در سطح «ادراک و محاسبه» شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، قدرت در هرمز به‌صورت نامرئی اعمال می‌شود: از طریق شکل‌دهی به این پرسش که آیا عبور امن، مقرون‌به‌صرفه و قابل پیش‌بینی است یا نه. همزمان وضعیت کنونی را می‌توان به‌عنوان یک «انسداد دوگانه» نیز توصیف کرد. از یک‌سو، ایران عبور از تنگه را محدود می‌کند و آن را به یک ابزار فشار تبدیل می‌سازد. از سوی دیگر، ایالات متحده و متحدانش تلاش می‌کنند از طریق فشارهای نظامی و اقتصادی، دسترسی ایران به تجارت دریایی را محدود کنند. نتیجه این تعامل، شکل‌گیری یک سیستم قفل‌شده است: وضعیتی که در آن هیچ‌یک از طرفین کنترل کامل ندارد، اما هیچ‌کدام نیز نمی‌تواند به‌راحتی عقب‌نشینی کند. این همان چیزی است که در ادبیات امنیتی به «بن‌بست اجبار متقابل» شباهت دارد. در چنین شرایطی، پارادوکس هرمز با وضوح بیشتری خود را نشان می‌دهد. هرچه یک بازیگر بیشتر از توانایی خود برای انسداد استفاده کند، در بلندمدت آن توانایی را تضعیف می‌کند. دلیل این امر روشن است: اقتصاد جهانی به‌شدت به جریان انرژی وابسته است، اما در برابر تهدیدهای پایدار، واکنش نشان می‌دهد. این واکنش می‌تواند به شکل توسعه مسیرهای جایگزین، افزایش ذخایر استراتژیک یا حتی تسریع در تغییر الگوهای مصرف انرژی باشد.

به بیان ساده، هرچه هرمز بیشتر به‌عنوان ابزار فشار استفاده شود، انگیزه برای بی‌اثر کردن آن افزایش می‌یابد. در مقابل عدم استفاده از این ابزار نیز به معنای از دست دادن اهرم فشار است.اینجاست که یک «تله استراتژیک» شکل می‌گیرد: استفاده از قدرت به تضعیف آن منجر می‌شود و عدم استفاده نیز به از دست رفتن آن. راه خروج از این تله، نه در انتخاب یکی از این دو، بلکه در بازتعریف ماهیت قدرت نهفته است. اینجاست که مفهوم «فضای استراتژیک» اهمیت پیدا می‌کند. در این نگاه، هرمز نه صرفاً یک گذرگاه حقوقی است و نه فقط یک دارایی سرزمینی، بلکه بخشی از یک شبکه جهانی است که در آن جریان‌های انرژی، کالا و سرمایه به‌طور مداوم در حال حرکت‌اند. قدرت در چنین فضایی، از توانایی «معماری این جریان‌ها» ناشی می‌شود: یعنی تنظیم دسترسی، مدیریت ریسک، و ایجاد تعادل میان بازبودن و کنترل. در این چارچوب، هرمز می‌تواند به یک «پلتفرم تنظیم جریان» تبدیل شود. عبور در آن وجود دارد، اما مشروط است، امنیت نسبی برقرار است، اما نه برای همه و نه در همه زمان‌ها، هزینه‌ها ثابت نیستند، بلکه بر اساس شرایط تغییر می‌کنند. این مدل، نوعی تعادل میان انسداد و آزادی ایجاد می‌کند و به بازیگر مسلط اجازه می‌دهد بدون ورود به تقابل مستقیم، نفوذ خود را اعمال کند. با این حال این وضعیت پایدار نیست مگر آنکه به‌درستی مدیریت شود. آینده هرمز را می‌توان در قالب دو مسیر اصلی تصور کرد. در مسیر نخست، این الگوی تنظیمی تثبیت می‌شود و تنگه به یک اهرم پایدار در تعاملات ژئوپلیتیک تبدیل می‌گردد. در مسیر دوم، تشدید تنش‌ها، افزایش درگیری‌های نظامی یا بروز خطاهای محاسباتی می‌تواند به سمت یک درگیری گسترده‌تر و تلاش برای بازگشایی کامل تنگه از طریق زور منجر شود. در نهایت آنچه در هرمز در حال رخ دادن است، نشانه‌ای از یک تحول بزرگ‌تر در نظام بین‌الملل است: گذار از «ژئوپلیتیک سرزمین» به «ژئوپلیتیک جریان‌ها». در این جهان جدید، کنترل صرف بر جغرافیا کافی نیست، آنچه اهمیت دارد، توانایی مدیریت نحوه عبور جریان‌ها از این جغرافیاست. پارادوکس هرمز دقیقاً در همین نقطه قرار دارد. این تنگه یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت در جهان است، اما ارزش آن نه در استفاده حداکثری، بلکه در استفاده حداقلی و هوشمندانه نهفته است. قدرت واقعی در اینجا، نه در بستن مسیر، بلکه در تعیین شرایط بازبودن آن است. اگر این بازتعریف تحقق یابد، هرمز می‌تواند از یک نقطه تنش دائمی به یک ابزار نفوذ پایدار تبدیل شود. اما اگر این گذار شکست بخورد، همان‌طور که روندهای کنونی نشان می‌دهد، این گلوگاه می‌تواند به کانون بی‌ثباتی گسترده‌تری در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی بدل شود، جایی که هر اقدام برای اعمال قدرت، به تضعیف آن در آینده می‌انجامد. و این جوهر واقعی پارادوکس هرمز است: در جهانی که به جریان وابسته است، بیشترین قدرت در توانایی شکل‌دهی به جریان‌ها و نه در متوقف کردن آن‌ها نهفته است.

منبع: ایرنا

گرامیداشت روز ملی خلیج فارس در جزیره هرمز/ایرنا